



# جزوه باما

دانلود جزوات، نمونه سؤالات  
و پروپوننت‌های دانشگاهی

**Jozvebama.ir**



## جواب خودآزمایی تاریخ تمدن اسلامی فاطمه جان احمدی

فهرست مطالب

۲	بخش اول: کلیات
۱۱	بخش دوم: تمدن اسلامی
۱۸	بخش سوم: نهضت علمی در تمدن اسلامی
۲۵	بخش چهارم: نهادهای آموزشی در تمدن اسلامی
۳۷	بخش پنجم: هنر در تمدن اسلامی
۴۳	بخش ششم: تاثیر تمدن اسلامی بر تمدن غرب
۴۶	بخش هفتم: ضعف و انحطاط تمدن اسلامی
۵۵	بخش هشتم: ظرفیتهای موجود در جهان اسلام
۶۰	بخش نهم: انحطاط معنوی دنیای مدرن

## بخش اول: کلیات

۱. به نظر شما سودمندی تاریخ در چیست و یک ملت چرا به تاریخ نیاز دارد؟

فایده های مطالعه تاریخ افزون بر درک درست وقایع، به کاربردی کردن علم تاریخ می انجامد.

مهمترین سودمندی تاریخ محض و یا حتی تاریخ تمدن، عبرت آموزی، تامل در احوال گذشتگان، آشنایی با عقاید و ادیان پیشینیان و همچنین شناخت دردها، آمال و تجارب آنهاست.

در سودمندی تاریخ، مورخ نکته سنج مصری می گوید:

تاریخ اگر جز تذکار همین نکته که «دنیا بقایی ندارد و در آن هیچ چیز چنان که هست نمی ماند»، فایده دیگری نداشت، همین فایده برای آن بسنده بود.

گوته بر سودمندی تاریخ صخه می نهد:

اگر تاریخ مورد حاجت هست، برای کمک به زندگی و عمل است نه برای آنکه انسان را از زندگی و عمل بازدارد.

فردریش ویلهلم نیچه در سودمندی و ناسودمندی تاریخ می نویسد:

نشاط، وجدان آسوده، اقدام بی دغدغه خاطر و ایمان به آینده، همه اینها - چه در مورد فرد و چه در مورد ملت - بستگی به آن دارد که خط ممیزه ای بین آنچه آشکار و پدیدار است با آنچه تیره و نادیدنی

است وجود داشته باشد؛ وابسته به آن است که شخص بتواند به هنگام، فراموش کند و به هنگام به یاد بیاورد و با احساس قوی غریزی وقتی ضرورت تجربه تاریخی یا غیر تاریخی وجود دارد، مشاهده کند.

۲. سودمندی مطالعه تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی در چیست و چگونه می توان از این تاریخ برای بازسازی هویت مسلمانان بهره جست؟

مطالعه تاریخ به ویژه تاریخ تمدن اسلامی که بخش های گمشده هویت مسلمانان را در خود دارد و بسیار سودمند است درک چپستی و چگونگی تاریخ تمدن اسلامی و فهم رموز اعتلای آن بی مطالعه تاریخ تمدن اسلامی ممکن نیست زیرا این تاریخ سرشار از اندرز و تجربیات ارزنده و عبرتهای ستودنی است که می تواند فراروی مسلمانان قرار گرفته هویت تاریخی و فراموش شده جوامع اسلامی را بازسازی نماید.

۳. مراحل شکل گیری تمدن را به اختصار توضیح دهید.

اول. تمدن های قبیله ای یا کوچنده مبتنی بر حیات دامداری

دوم . تمدن های یکجا نشین مبتنی بر حیات کشاورزی  
سوم . تمدن های شهر نشین مبتنی بر حیات تجاری .  
چهارم . تمدن های شهر نشین مبتنی بر حیات صنعتی .  
پنجم . تمدن های یکجا نشین مبتنی بر حیات دینی و ایدئولوژیک . تمدن اسلامی نمونه عالی این نوع تمدن است که اساس پژوهش کتاب حاضر است.

۴. ارکان اصلی تمدن را نام برده ببرید و عوامل موثر در بقا و تداوم آن را به اختصار توضیح دهید.

اول . پیش بینی و احتیاط امور اقتصادی که رکن مهم حیات بشری است.

دوم . سازمان سیاسی ( امنیت و نظم )

سوم . سنن اخلاقی که مقوم جامعه تمدنی است .

چهارم . بسط هنر و معرفت ، عالی ترین عنصر تمدن بشری و تجلی گاه ذوق و نبوغ آدمی است.

عوامل تاثیر گذار تمدن از نظر ویل دورانت یا ارکان ثابتی که در شکل گیری تمدن ها موثرند:

اول) دین

اساس ترین و مهم ترین رکن تمدن و مقوم آن است ، که می تواند با ابزارهای معنوی و فراملیتی ، ضمن هدایت جامعه به تمدن نیز هویت بخشد.

دوم) اخلاق

عامل پیوند دهنده اجتماع انسانی ، عامل بازدارنده خطا و نیز موجب رعایت حقوق دیگران در جامعه است.

سوم) جغرافیا

ظرف مکانی رشد فضایل انسانی ، همراه با سایر عوامل وابسته به آن - چون اقلیم آب و هوا - که می تواند در ایجاد تمدن بسیار موثر باشد.

چهارم) زبان

اساسی ترین رکن موجودیت انسان است و در انتقال مفاهیم کلیدی تمدن نقش بسزایی دارد.

پنجم) علوم و فنون

عالی ترین محصول خرد بشری ، ابزار تعالی تمدن و عامل رشد و دوام اجتماعی است.

۵. شاخصه های تمدن را نام ببرید و بنویسید اهمیت مطالعه شاخصه های تمدن در چیست؟

اول) دارای ثبات و پایداری در نظام شهری.

دوم) دارای نوعی حکومت اند.

سوم) ایجاد تخصص ، پیدایش اصناف مختلف و تبعیت آنها از مقررات.

چهارم) دارای قواعد و قوانین ثابت اند.

پنجم) دارای مراکز اجرایی اند.

ششم) دارای مراکز اقتصادی و سیاسی اند.

هفتم) تاسیس نهادها و سازمان های علمی برای آموزش و تربیت افراد.

هشتم) اهتمام به تکامل نظام اخلاقی و رشد معنویات.

هر تمدنی دارای شاخص های عمومی و اختصاصی است. شاخصه های اختصاصی تنها مختص یک تمدن بوده و باعث تمایز آن از سایر تمدن ها است اما شاخصه های عمومی مشترک بوده و قابل تعمیم به سایر تمدن ها است.

۶. عوامل موثر در پیشرفت تمدن ها کدامند؟

۱. علم و توسعه دانش

۲. تعقل و خردگرایی

۳. ساختار مناسب اجتماعی

۴. سازمان فعال اقتصادی

۵. توسعه رفاه عمومی و گسترش عدالت

۶. تبعیت از سنن اخلاقی منبعث از متن جامعه و موافق با فطرت آدمی

۷. پابندی به اصل وحدت و یکپارچگی اجتماعی

۸. توسعه نظم اجتماعی

۹. تبعیت جمعی از قوانین اجتماعی

۱۰. رعایت حقوق دیگران و احترام به آن

۱۱. پرداخت حقوق متقابل دولت و مردم

۱۲. پرهیز از خودکامگی دولتمردان و خودداری از ستم پیشگی

۱۳. نگهبانی از حدود سرزمین و تقویت بنیاد نیروی نظامی

۷. عوامل موثر در انحطاط تمدن‌ها را نام ببرید و هر یک را به اجمال توضیح دهید.

۱. دوری از خدا و روی آوردن به شرک و بت پرستی

این آفت ، جامعه را از کانون وحدت گرایی دور و به بت پرستی و شرک نزدیک می کند.

از این پس جامعه گرفتار امیران و اشراف مستبد می شود و استعمار و استثمار در پی زیاده طلبی دولتمردان شکل می گیرد.

۲. تعصب و تبعیض نژادی

این بلا موجب می شود وحدت وجودی انسان فراموش گردد و نسب و قوم مداری به جای آن بنشیند.

۳. اختلاف طبقاتی

این آفت دامنگیر اجتماعاتی است که در آن قسط و عدل جای خود را به ظلم و زیاده طلبی می بخشد.

۴. حرص و آزمندی

این عامل تا حد زیادی جامعه را به نیستی می کشاند.

در این مسیر عیش طلبی و شهوت رانی به عنوان مظاهر عمده زوال اجتماعی ، جامعه را به ناامنی و بی عفتی سوق می دهد.

۵. نفاق و تفرقه

در این مرحله جامعه متمدن از وحدت گرایی به دور می افتد.

یکی از مهمترین عواملی که جامعه متمدن را به حرکت و حیات وا می دارد ، وحدت و یکپارچگی است.

آفت نفاق و تفرقه حلقه پیوند اجتماعات بشری را نشانه می گیرد و باعث توقف آن می شود.

قرآن کریم با تاکید بر موضع وحدت بشری ، پراکندگی و تفرق را امری ناپسند می داند:

مِنَ الَّذِينَ فَزَّوُوا دِينَهُمْ وَ كَانُوا شَيْعَاءَ كُلِّ حِزْبٍ بِمَا لَدَيْهِمْ فَرِحُونَ

۶. پایمال نمودن حق مستضعفان و مظلومان جامعه

آنچه به ظاهر در جوامع متمدن بسیار نمود دارد ، وجود طبقات ضعیف کم درآمد ، ناتوان اقتصادی واجتماعی است.

نادیده گرفتن این بخش آسیب پذیر جامعه ، از عوامل مهم انحطاط تمدن هاست.

قرآن کریم انسان ها را سبب اشاعه فساد می داند:

ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ

به سبب آنچه دستهای مردم فراهم آورده ، فساد در خشکی و دریا نمودار شده است.

با اشاعه فساد و مبتلا شدن جامعه با ارزش های نامعقول و نا متعادل، مظاهر تباهی در جامعه نمایان می شود. خداوند بدین وسیله پرونده تمدن آنها را با این آیه می بندد:

فَأَنْتَقِمْنَا مِنَ الَّذِينَ أَجْرَمُوا

۸. چگونه فرهنگ می تواند مبنای بسیاری از اندیشه های معنوی بشر را تشکیل دهد توضیح دهید.

فرهنگ معارف و علوم ، اعتقادات ، هنرها، صنایع، اخالق، قوانین، آداب و رسوم ، عرف و سنت هایی که محصول پیشرفت ذهن انسان و نتیجه انتزاعی قوه تفکر و ادراک آدمی بوده است و به عنوان حلقه پیوند انسان و اجتماع عمل می کند بنابراین فرهنگ مبنای بسیاری از اندیشه های معنوی بشری است.

۹. ضمن توضیح فرآیند فرهنگ پذیری عواملی را که می تواند به ارتباط فرهنگی بیانجامد بیان کنید.

فرهنگ پذیری عبارت است از

تاثیر اعمال شده یک فرهنگ بر فرهنگ دیگر یا تاثیر متقابل آن دو فرهنگ بر یکدیگر به گونه ای که دگرگونی حاصل شود.

فرهنگ همان چیزی است که سبب ارتباط معنوی افراد جامعه با یکدیگر می شود.

شانتقال از غار نشینی و بیابانگردی به یکجانشینی، روستاگزینی و شهرنشینی نخستین گام بشر برای دستیابی به مفاهیم اصلی فرهنگی است.

دومین گام زبان خواهد بود که یکی از مهمترین تجلیات حیات اجتماعی است.



سومین گام اساسی بشر، ابداع خط است که در سایه آن بشر می تواند همه آراء اندیشه ها، تجربیات ، اعتقادات و ادراکات خود را ثبت نموده و برای آیندگان بر جای نهد.

گام چهارم در جهت شکل گیری فرهنگ و اعتلای تمدن، ابداع کاغذ است. کاغذ به عنوان بهترین عنصر تمدنی، با ثبت دانش بشری در پایایی آن نقش مهمی ایفا می نماید.

گام نهایی در تثبیت عوامل و عناصر فرهنگی، حفظ ارتباط و پیوند اجتماعی است.

۱۰. هشت ویژگی و شاخصه فرهنگی را بنویسید.

۱. فرهنگ هویت بخش انسان و مکانت بخش جامعه متعلق به ان است.

۲. فرهنگ وجه امتیاز برای تمایز میان تمدن ها است.

۳. فرهنگ میراث گذشتگان است قابل سرایت از نسلی به نسل دیگر است.

۴. فرهنگ همواره خلاق و پویا است.

۵. دارای حرکتی آهسته و تدریجی است و تغییرات آن بسیار کند است.

۶. فراملیتی است و هرگز محدودیت مرزی ندارد.

۷. عنصر زمان در تغییرات فرهنگی بسیار موثر است.

۸. همه سرمایه های معنوی و آثار هنری جامعه را در بر می گیرد.

۹. قابلیت تبلیغ و ترویج دارد.

۱۰. فرهنگ ویژه همان جامعه و متعلق به آن است

۱۱. فرهنگ به رفتار عامه و خاصه مردم شکل و نظم می بخشد

۱۲. فرهنگ قابلیت دگرگونی دارد

۱۳. محور اساسی پیوند میان اعضای جامعه است.

۱۴. فرهنگ تقویت کننده همکاری و ایجاد روابط میان افراد جامعه است.

۱۵. فرهنگ شاخص بهترین شیوه برای سنجیدن اندیشه، سلیقه و استعداد های هر قوم است.

۱۶. فرهنگ راهنمای همه توانمندی های انسان و عامل مبین رفتار او در فراز و فرود زندگی اجتماعی

است



۱۷. فرهنگ نشان دهنده بهره گیری انسان از میراث اسلاف خود است.
۱۸. ابزار تجلی معنویات یک جامعه در طول تاریخ است.
۱۹. فرهنگ ترکیب همه عناصری که انسان اجتماعی برای زندگی گروهی همواره فراهم آورده است.
۲۰. فرهنگ راهرو و راهبر است.
۲۱. فرهنگ محصول تلاش فکری و عملی انسان و نتیجه خلاقیت اوست.
۲۲. فرهنگ حاصل کمال بشری است و منشاء آن عشق ، زیبایی ، راستی و نیکویی است.
۲۳. نشانه کار و زاینده انتخاب بشر است.

۱۱. عناصر موجد فرهنگ کدامند.

انسان به عنوان مهمترین عامل موجد تمدن در بهره وری از همه موهبات الهی است و پویش های عالی انسانی چون احساس ، کنش ، اندیشه ، زبان ، دانش و هنر موجد فرهنگ و تمدن است.

۱۲. چه عواملی در پیاپی فرهنگ موثراند؟

اول . رابطه مستحکم با تمدن.

دوم . زمان که عامل تثبیت کننده عناصر فرهنگی است.

سوم . عناصر هویت زای فرهنگی مثل آداب و رسوم کهن.

چهارم . تطبیق با واقعیات حیات بشری

۱۳. تفاوت میان فرهنگ و تمدن در چیست آنها را به اختصار توضیح دهید.

۱- تمدن بیشتر جنبه علمی، عینی ، فنی و اطلاعاتی دارد و فرهنگ بیشتر جنبه ذهنی و معنوی.

۲- تمدن بیشتر جنبه اجتماعی و تامین کننده پیشرفت انسان در هیئت اجتماع است و فرهنگ بیشتر جنبه فردی دارد و ناظر به تکامل فردی است.

۳- تمدن انباشت پذیر و بازگشت ناپذیر است اما اجزای فرهنگ بسیار دگرگونی پذیر و فزونی ناپذیرند.

۱۴. ضمن بیان چهار نظریه رایج در مورد رابطه فرهنگ و تمدن آنها را با هم مقایسه کنید.

۱. این دو معادل و مترادف هم هستند و تفاوتی میان آنها نیست. کسانی چون ادوارد تایلر و گلدن وایزر از معتقدان این نظریه اند.

۲. تمدن گونه ای معرفت علمی و فنی است. کسی چون آلفرد وبر از معتقدان این نظریه ، فرهنگ را از جمله فرآورده های هنری و مذهبی، فلسفی، آداب و رسوم و اعتقادات یک جامعه می داند.

او می کوشد تمدن را معادل فرهنگ مادی جامعه و فرهنگ را معادل فرهنگ معنوی معنا کند.

۳. این دو از هم جدا هستند.

دو دیدگاه وجود دارد:

یک) جامعه شناسانی چون باتومور معتقدند که واژه تمدن همچون فرهنگ اهمیتی اساسی نیافته و به گونه ای بسیار کلی از واقعیت تهی است.

در تعاریفی که این عده به دست می دهند تمدن مجموعه ای فرهنگی است که از ویژگی های عمده مشابه چند جامعه خاص تشکیل شده است.

دو) عده ای دیگر از پیروان این نظریه چون مک ایور بر این عقیده اند که فرهنگ ما چیزی است که ما هستیم و تمدن ما چیزی است که آن را به کار می بریم .

به نظر او فرهنگ معادل است با بیان حالت زندگی چون ایدئولوژی ، دین ، ادبیات و هنر؛ تمدن نیز عبارت است از ساختار جامعه، نظام و کنترل شرایط اجتماعی شامل تکنیک ها و سازمان های اجتماعی.

سه) عده ای نیز فرهنگ را با ارزش های اجتماعی و تمدن را با واقعیت های اجتماعی مرتبط می دانند.

چهار) برخی قائلان این نظریه بر آن اند که تمدن نهاد پیچیده حکومتی است.

پنج) دسته دیگر تمدن را متشکل از نهادهای دینی و اخلاقی می دانند.

۴ تمدن ها مرحله ای خاص از فرهنگ به شمار می آیند. اسوالد اشپنگلر از طرفداران این نظریه بر این باور است که تمدن ها نقطه پایان تکامل فرهنگ هایند.

میان محققان و صاحب نظران در معنای مفهومی و موضوعی فرهنگ و تمدن اختلاف نظر وجود دارد، که به آنها اشاره می کنیم :

(اول)

مدنیت صورت مادی و خارجی پیشرفت انسان است درحالی که فرهنگ تحقق باطنی و ارزش حقیقی اشیا و درک حقیقی آنهاست.

(دوم)

تمدن بیشتر جنبه علمی و عینی دارد درحالی که فرهنگ عمدتاً دارای جنبه فکری ، ذهنی و معنوی است.

(سوم)

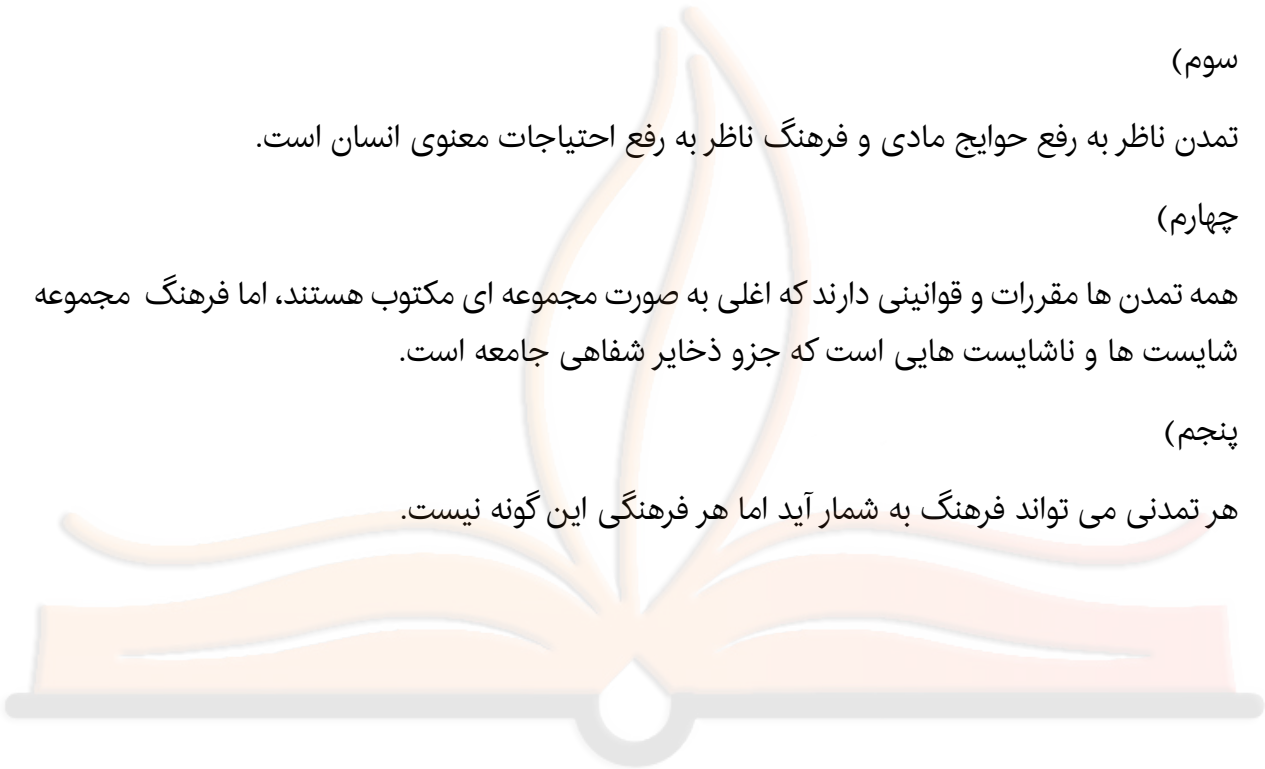
تمدن ناظر به رفع حوایج مادی و فرهنگ ناظر به رفع احتیاجات معنوی انسان است.

(چهارم)

همه تمدن ها مقررات و قوانینی دارند که اغلی به صورت مجموعه ای مکتوب هستند، اما فرهنگ مجموعه شایست ها و ناشایست هایی است که جزو ذخایر شفاهی جامعه است.

(پنجم)

هر تمدنی می تواند فرهنگ به شمار آید اما هر فرهنگی این گونه نیست.



جزوه باما

## بخش دوم: تمدن اسلامی

۱. تمدن اسلامی را تعریف کنید

تمدن اسلامی تمدنی دینی است که همه مولفه های آن بر محور دین اسلام می گردد.

۲. تمدن دینی با سایر تمدن ها چه تفاوتی دارد

تمدن دینی، تمدنی است که همه مولفه های آن بر محور دین اسلام می گردد به دلیل وجود همین پسوند پر مایه، از یک سو قابلیت تحدید زمانی و تعریف معنایی دارد.

زیرا آغاز و انجامش مشخص است و از سوی دیگر، دارای گستردگی مفهومی و موضوعی بسیاری است که همه پیچیدگیها، ظرایف و جهان شمولی دین اسلام را به عنوان دین الهی در خود دارد.

بدین ترتیب تمدن اسلامی دارای همه ویژگی های تمدن الهی در چارچوب آموزه های قرآنی و متکی بر سنت پیامبر است و مولفه های آن دین، اخلاق، عدالت، قوانین و مقررات اصول دینی است.

۳. محدوده تاریخی تمدن اسلامی را بیان کنید

یک. عصر نبوی، سال ۱ تا ۱۰ هجری

دو. عصر خلفای راشدین، سال ۱۱ تا ۴۱ هجری

سه. عصر خلفای اموی ( شاخه سفیانی و مروانی)، سال ۴۱ تا ۱۳۲ هجری

چهار. عصر خلفای عباسی، سال ۱۳۲ تا ۶۵۶ هجری ( سال سقوط بغداد توسط مغولان)

۴. حوزه جغرافیایی تمدن اسلامی چه مناطقی را شامل می شد؟

مقدسی محدوده جغرافیایی تمدن اسلامی را بدین سان تعریف می کند:

مملکت اسلام از شرق به کاشغر (در ماوراء النهر) و از غرب تا سوس ( در سرزمین مغرب) امتداد داشته و ده ماه راه بوده است.

ابن حوقل تعریف دقیق تری به دست می دهد. وی سرزمین های اسلامی را از شرق به هند ، از غرب به سرزمین های سیاهان در سواحل اقیانوس اطلس ، از شمال به بلاد روم ، ارمنستان ، آلان ، خزر ، سرزمین های بلغار، اسلاو ، ترکمنستان و چین و از جنوب نیز به خلیج فارس محدود می داند.

۵. نظریه مخالفان در شکل‌گیری تمدن اسلامی را بیان نمایید و آنها را با هم مقایسه کنید

عمدتاً محققان غربی اند معتقدند تمدن اسلامی میراث بر تمدن روم و ایران است و بر ویرانه‌های دو تمدن پیشین پدید آمد و اسلام به عنوان دینی توحیدی تنها در برخی مواضع تمدنی آنها که متناسب با عرف و جغرافیای منطقه‌ای تکامل یافته تغییراتی صورت داده است، همین گروه عرب و اعراب جزیره العرب را بی تمدن می‌دانند.

این دو گروه وارد هویت تاریخی تمدن اسلامی، پیشینه غنی آن را نادیده می‌انگارد و به دستاوردهای تاریخی و خدمات شایسته نام آوران تمدن اسلامی وقعی نمی‌نهد.

در برخی موارد نیز همه آنچه معیار و ملاک برتری تمدن اسلامی ناگزیر گردند. تنها آن را در زمان گذشته محصور می‌دانند و برای آن جایگاهی قائل نیستند، آنان در واقع و ناکارآمدی تمدن اسلامی در عصر حاضر تاکید دارند.

۶. دلایل موافقان تمدن اسلامی را توضیح دهید و آن را با نظریه مخالفان مقایسه کنید.

این گروه از دسته نخست خاور شناسان غربی هستند که با کلیات آرای گرایش نخست موافق اند، اما گاه چنان متعصبانه و مغرضانه به مقابله با اسلام و تمدن اسلامی بر می‌خیزند که گویی چاره‌ای ندارند جز نفی همه اصول و ارزش‌های حاکم بر تمدن اسلامی.

آنان بر این بنیاد با سخنان نیش‌دار و مطالب معنادار می‌کوشند تا تمدن اسلامی را منکوب کنند و غالباً دستاوردهای آن را نیز نفی کرده، به طرد هویت تاریخی تمدن اسلامی می‌پردازند.

این دو گروه وارد هویت تاریخی تمدن اسلامی، پیشینه غنی آن را نادیده می‌انگارد و به دستاوردهای تاریخی و خدمات شایسته نام آوران تمدن اسلامی وقعی نمی‌نهد.

در برخی موارد نیز همه آنچه معیار و ملاک برتری تمدن اسلامی ناگزیر گردند. تنها آن را در زمان گذشته محصور می‌دانند و برای آن جایگاهی قائل نیستند، آنان در واقع و ناکارآمدی تمدن اسلامی در عصر حاضر تاکید دارند.

۷. تمدن اسلامی دارای چه ویژگی‌هایی است؟

دارای هویت تاریخی در خور قابل توجهی است و دستاوردهای تاریخی و خدمات برجسته‌ای دارد

دارای نظامات مدنی و ساختار تمدنی که از قرآن سرچشمه گرفته و اکنون مردم مغرب زمین ثمرات

۸. ارکان تمدن اسلامی کدامند؟

قوانین دینی

نگرش توحیدی

عامل خرد ورزی

علم و دانش اندوزی

رعایت حقوق مظلومان و مستضعفان

هجرت

تسامح و تساهل

۹. تاثیر نگرش توحیدی بر تکوین تمدن اسلامی چه بود؟

عنصر وحدت بخش توحید با القای نگرش «از اویی و به سوی اویی» جامعه اسلامی را هدایت می‌کند و همه اقوام و ملل مختلف را زیر لوای وحدانیت گرد می‌آورد و پیوندی عمیق میان آنها ایجاد می‌کند.

در سایه سار توحید و با اصول وحدت بخش آن، هدف و نهایت جامعه تعریف می‌شود و عناصر تفرقه افکن در انوار پرمایه اش از میان می‌رود.

بی‌گمان توحید آرمانی ترین و مستحکم ترین شکل وحدت است.

در مکتب توحیدی، جهان ماهیتی تک قطبی می‌یابد و همه از اویند و به سوی او باز می‌گردند.

بنابراین زندگی فردی و اجتماعی هرگز به هدف نیست و آغاز و انجامی دارد.

قرآن کریم با عنایت ویژه به معانی فراملیتی دینی، امت اسلامی را به وحدت الهی با رویکردی توحیدی فرا می‌خواند و یکسانی وحدت را در اوج کثرت در سر لوحه آموزه‌های دینی قرار می‌دهد.

بدین روی قرآن با اتکا به جوهره ایمان به توحید، حس وحدت را به همه جا تسری می‌دهد و همه اقوام و ملل را زیر لوای وحدت فرا می‌خواند.

۱۰. سهم ایرانیان در شکل‌گیری تمدن اسلامی را بررسی نمایید.

شهید مطهری ضمن تاکید بر نقش ایرانیان می‌نویسد:

ایرانیان بیش از هر ملت دیگری به نشر اسلام و پیشرفت فرهنگ و تمدن انسانی آن کمک کرده‌اند، این خدمت شامل همه گونه فعالیت هایی می شود که ایرانیان در طول تاریخ چه از طریق سربازی و فداکاری، چه از طریق مسافرت و بازرگانی و چه از رهگذر کوشش در فراگیری و بسط علوم و فنون اسلامی انجام داده‌اند و موجب نشر اسلام و پیشرفت فرهنگ و تمدن انسانی آن در آسیای صغیر، آسیای مرکزی، شبه قاره هند، چین، اندونزی، جنوب شرقی آسیا، ماورالنهر، مغرب و شمال آفریقا، آفریقای جنوبی و... شده‌اند.

مشارکت و مداخله ایرانیان در اوج گیری تمدن اسلامی مستلزم دارا بودن پیشینه‌ای کهن و غنی است. طبق استناد به منابع تاریخی ایران یکی از تمدنهای پرمایه باستانی است که قوام آن بر مدار وحدت ملی و ثبات ارضی بنا شده است.

توفیق چشمگیر ایرانیان در عرصه دیوان سالاری و تشکیلات اداری ایجاد مناصب مختلف دیوانی و همچنین قوانین بخشیدن به ساختار حقوقی، موضوعی است که هرگز از دید فرهنگ و تمدن نویسان بزرگ جهان مورد غفلت واقع نشده است.

اعتراف محققان به کارآمدی وزیران و صاحب نظران ایرانی بعدها دربار خلافت اسلامی را به سوی کانون تمدن ایرانی معطوف داشت.

این حضور پرمایه و مستمر ایرانیان در عرصه‌های مختلف تاریخ جهانی و همچنین دارا بودن موقعیت جغرافیایی مناسب موجب شد تا ایران در طول تاریخ حیات تمدنی به کرات در معرض تهاجم اقوام مختلف قرار گیرد.

فعالیت‌های ایرانیان به همین مختصر خلاصه نمی شود، چنانکه فرهیختگان ایرانی در بخش‌های مختلف جهان علم احکام دینی، علوم ادبی، قضایی، سیاسی و اجتماعی جهدی بلیغ نمودند و در علم حدیث، تفسیر، کلام و تصوف سرآمد روزگار شدند.

شاید به دلیل همین حضور چشمگیر است که ابن خلدون، متفکر بزرگ تونسسی اعتراف می کند به اینکه بیشتر دانشوران اسلام از ایرانیان اند خواه در علوم شرعی و خواه در دانش‌های عقلی.

۱۱. تمدن یونانی در شکل گیری تمدن اسلامی چه نقشی دارد؟

کهن ترین شاخص علمی تمدن یونانی ، مدرسه آتن بود.

تعالیم مکاتب یونانی در آتن و اسکندریه با چارچوب علم الهی (لاهوت ) تطبیق داشت.

مهمترین علمی که در مدرسه های یونانی به ویژه آتن بدان پرداخته می شد ، فلسفه و منطق بود.



یکی از ویژگی های مهم فرهنگ و تمدن یونانی که پس از اسکندر مطرح شد موضوع زندگی جهان وطنی و بین المللی آن بود.

اساس فلسفه نوافلاطونی بر بنیاد آرای افلاطون و علم الهی ارسطو پی ریزی شده بود. تاریخ پزشکی یونانی با بقراط نامبردار است. آثار طبی بقراط یا هیپوکراتس همچون کتاب کلمات قصار یا فصول راهنمای مشتاقان حرفه پزشکی بوده است. طبیب مشهور یونانی جالینوس نیز کتاب هایی داشت که در ایران و شام تدریس می شد و به عربی ترجمه شد.

از دیگر ستارگان علم پزشکی یونانی ، اهرن یا هارون است. کتاب های پزشکی وی توسط مسلمانان به عربی و سریانی ترجمه شد.

۱۲. نقش تمدن هندی در شکل گیری تمدن اسلامی چه بود؟

دانش معماری همواره بر بنیاد دانسته های هندسه ، ریاضی و حساب استوار است. ابتکار نه رقم اصلی ریاضی به نام هندیان ثبت شده است . مسعودی در گزارشی مفصل صفر را نیز از ابداعات هندیان می داند.

جالب اینکه عدد نویسی اعشاری نیز میان هندیان متداول بود تا جایی که در عصر آریابھاتای مقدار عدد  $\pi$  را تا ۴ رقم اعشار محاسبه کردند.

یکی دیگر از علوم اثر گذار هندی در تمدن اسلامی ، ادبیات و حکمت است.

کتاب ارزشمند کلیله و دمنه با نام اصلی پنجانتترا ، اثر جاویدان بیدپای هندی ، شاهکار ادبی است این کتاب در روزگار انوشیروان به زبان پهلوی برگردان شد و در عصر نهضت ترجمه اسلامی توسط ابن مقفع به عربی برگردان شد.

ترجمه ابن مقفع نمونه عالی از ادبیات کهن است.

هندیان در ابداع سرگرمی های چون نرد و شطرنج صاحب نامند.

بازی نرد انسان را موجودی مقهور سرنوشت که بی مدد بخت و اقبال پیروز نخواهد شد معرفی می کند.

با اختراع بازی شطرنج (هشت رنج) بازی نرد از رونق افتاد چرا که در شطرنج بخت و اقبال بی پایه و مدد رسان انسان اندیشه ی اوست.

به هر حال آنچه از علوم و فنون هندی جهان اسلام راه یافت، به جز علم طب و گیاه پزشکی علوم دیگری چون نجوم، ریاضیات و موسیقی بود.

تبحر هندیان در نجوم، حساب و فن موسیقی موجب شد زمینه انتقال این علوم از طریق جندی شاپور به بیت الحکمه عباسیان فراهم آید.

در عصر ترجمه، بسیاری از کتاب‌های نجوم، طب، ریاضیات و ادبیات هندی که به زبان سانسکریت یا پهلوی بودند به عربی ترجمه شد.

۱۳. اسلام چگونه توانست از ترکیب تمدن های سلف تمدن اسلامی را به وجود آورد؟

تمدن اسلامی با گسترش قلمرو امپراتوری خود به تمدن جهانی مبدل شده در شکل گیری این تمدن هر یک از فرهنگ ها و تمدن های سهمی داشتند که هرگز نمی توان آن را نادیده انگاشت فرهنگی که زبان عربی بود و فکرش ایرانی، خیالش هندی و بازویش ترکی، اما دل و جانش اسلامی و انسانی.

۱۴. به نظر شما اسلام برای ایجاد تمدن وسیع دینی دارای چه خصوصیتی بود؟

تمدن اسلامی با مجموعه ای از قوانین دینی که بر گرفته از قرآن کریم و آموزه های نبوی است همه ابعاد زندگی و دقایق حیات فردی و اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی جامعه اسلامی را شامل می شود.

شمولیت و احاطه قوانین اسلامی مبتنی بر آیات عمیق و چند بعدی قرآن کریم، افزون بر مسائل کلان حیات جمعی، خردترین و ظریف ترین بخش های زندگی فردی را در بر می گیرد.

به همین دلیل تمدن اسلامی با قوانین مشخص به سیر تکاملی جامعه سمت و سو و سرعت می بخشد.

اصول و قوانین اسلامی با وجود منحصر به فرد بودن، با سادگی و بی پیرایگی، بسیاری را به خود دل مشغول داشت.

مناسبات اجتماعی ساده و پرتساهل و بسیار منعطف، باورهای ملل تحت سلطه را تغییر داد و با نگرشی  
توحیدی به وحدتی اعتقادی رهنمودشان کرد.



جزوه باما

## بخش سوم: نهضت علمی در تمدن اسلامی

۱. فتوحات اسلامی در تقرب و آمیختگی میان تمدن‌ها چه نقشی داشت؟

مهمترین نتیجه عصر فتوحات اسلامی، رویارویی فرهنگ‌ها و تمدن‌های مختلف و کهنی بود که در سایه آمیختگی آنها، فرهنگ و تمدن اسلامی با همه ویژگی‌های بارز خود تکوین یافت.

در مراحل نخستین خلافت اسلامی و تا اواسط حکومت امویان، هنوز نپذیرفتن هر چیزی غیر از قرآن و تاکید بر قوه حافظه و اجتناب از نگارش، بی‌اقبالیتی بسیاری از علوم را فراهم آورده بود، اما با گذشت زمان و در پی رشد معرفتی مسلمانان و نیاز مبرم تمدن نوخواسته اسلامی به آموختن و رسیدن به سرچشمه‌های اصلی معرفت و علم، مسلمانان ناگزیر به ترجمه و نقل متون روی آوردند.

بدین‌گونه در پرتو تعالیم اسلامی در سرزمین‌های تحت نفوذ خلافت اسلامی، دانشمندان بزرگی در علوم گوناگون پرورش یافتند و دستاوردهای علمی بسیاری به بار آوردن از شکوفایی علمی در تمدن اسلامی حکایت داشت.

۲. ویژگی‌های علمی جامعه اسلامی عهد امویان چه بود؟

با استقلال خلافت امویان در شام و تعیین دمشق به عنوان مرکز خلافت از یک‌سو و نزدیکی آنان به رومیان و تسلط بر مدارس علمی ایران و مدارس سریانی شام رفته‌رفته زمینه آغاز حرکت علمی مهیا گردید.

تشویق‌های خلفای اسلامی و فراهم نمودن وسایل تحصیل دانش افزایش سبب شد روزبه‌روز تحقیقات و تالیف کتاب در قلمرو اسلام فزونی یابد.

مرکز طبقاتی دانش افزایش شکسته شود و بدین‌رو در سراسر قلمرو حکومت اسلامی زمامدار و فرمانبر، دارا و فقیر، عرب و عجم، پیوسته سرگرم تالیف گردند.

اینگونه تردید و تنگ‌نظری خلفای اموی نسبت به علوم سالیان متمادی آثار ارزشمندی را در گنجینه‌ها و کتابهای امویان متروک باقی نهاد

۳. نهضت علمی دوره عباسیان را توضیح دهید.

اربابان قلم، عصر خلافت عباسیان را عصر طلایی اسلام، دوره مدنیت اسلامی و یا عصر زرین فرهنگ و تمدن اسلامی نام نهاده‌اند.

منصور با فراخواندن سرآمدان نجوم از ایران و هند نام خود را به عنوان نخستین خلیفه ای که ستاره شناسان را به دربار فراخواند، رقم زد. در راس این جماعت نوبخت منجم بود که دارای زیج ها و جداول فلکی مشهوری بود.

ستاره شناسان هندی نیز در دربار منصور بودند و کتاب سند هند را در نجوم و حساب به دربار آوردند که توسط ابراهیم فزاری به عربی ترجمه و توسط محمد بن موسی خوارزمی خلاصه شد.

از میان مترجمان ستاره شناسی دربار منصور می توان به ابراهیم فزاری و فرزندش محمد و علی بن عیسی اسطرلابی که نام و آوازه ای بس بلند داشتند اشاره نمود.

مسعودی معتقد است منصور اولین خلیفه ای بود که از زبان های بیگانه برای او آثاری به عربی ترجمه کردند در حالی که ابن ندیم قائل است نخستین ترجمه ها به امویان اختصاص دارد.

از نخستین آثاری که از زبان پهلوی به عربی برگردان شد می توان کلیله و دمنه را نام برد، از مشهور ترین آثار ادبی هندی است.

محمد بن اسحاق صاحب کتاب السیر و المغازی و اخبار المبتداء و الخبر است.

منصور نخستین خلیفه ای بود که گسترده وار به نقل و ترجمه متون کهن علمی در زمینه طب و نجوم توجه کرد.

مهدی نخستین خلیفه ای بود که متکلمان را برای تصنیف آثار کاملی ترغیب نمود و عاملی که در دوران وی به نهضت علمی مسلمانان نشاطی تازه بخشید گفتگوهای جدلی متکلمان بود.

در دوران هارون بغداد به شهر افسانه ای هزار و یک شب تبدیل و این دوره را به دلیل رفاه اقتصادی ، ایام عروس نامیده اند.

هارون الرشید عباسی تحت تاثیر دانشمندان دربار خود به علوم فلسفه و منطق علاقه مند شد.

سیوطی علاقه هارون به کسب معارف جدید را ستوده و می نویسد: نمی شناسم مَلِکی را به جز رشید که فقط در کسب علم سفر کند.

گشاده دستی خلیفه در پرداخت عطایا و هدایای گران قیمت به مترجمان از عوامل مهم و تعیین کننده جذب و ماندگاری دانشمندان حتی به صورت خاندانی در دربار خلافت اسلامی است.

وجوه انبوه کتاب‌های گسیل شده به مرکز خلافت و از سویی رواج کاغذ، از مهم‌ترین پدیده‌های این عصر به شمار می‌آید.

رواج کاغذ از مهم‌ترین پدیده‌های عصر هارون بود که به نشر علم و دانش کمک کرد. بیت الحکمه نام کتابخانه عمومی در مکانی فراخ با درهای گشوده و اتاق‌های مملو از کتاب بود. نخستین گام‌های بنیان کتابخانه‌های عمومی در عهد هارون برداشته شد و بعد ها در عصر مامون به عنوان نخستین فرهنگستان بزرگ علمی در جهان اسلام مشهور گشت.

مامون خلیفه مقتدر عباسی با پشتیبانی و رایزنی‌های وزیر ایرانی خود فضل بن سهل ملقب به ذوالریاستین توانست رقیبان را کنار نهد و چون فاتحی بی رقیب بر اریکه خالفت تکیه زند. اهتمام مامون به دانش افزایشی موجب شد لقب پرمایه حکیم آل عباس را بدو دهند.

مجالس مناظرات علمی با حضور اندیشمندان معتزله اداره می‌شد و هر جا که محصول گفتگو یا نشستی آزاد بود، متمسکان به جدل از مهم‌ترین ابزار معتزله به شمار می‌رفت، پیروز آن عرصه بودند. ابو هذیل محمد بن هذیل علاف، از مشهورترین جدلیان عصر مامون که مشوق وی در برپایی مجالس مناظره بود.

در زمان مامون، امام رضا (ع) در مجالس مناظره شرکت می‌کردند و با نمایندگان نصارا، ثنویه و زنادقه به بحث و گفتگو می‌نشست.

ثمره عصر خلافت مامون، اعتدالی اندیشه اسلامی بود.

یکی از مهم‌ترین نتایج ورود اندیشه‌ها به عالم اسلام و تلاش و مساعی معتزلیان و مناظرات آنان با مخالفان پیدایش و رواج علم کلام بود.

سیاست نادرست و ممانعت از راه اندازی مجالس مناظره از یک سو و مجازات مجریان و کوشندگان در این امر از سوی دیگر علاوه بر در هم پیچیدن طومار عصر آزاد اندیشی، موجبات رنجش مترجمان ممتاز و مولفان صاحب نظر و یا مهاجرت آنها را از مرکز خلافت فراهم آورد. همین امر به همراه سایر عوامل سیاسی و فرهنگی که میراث عصر معتصم بود ارکان فرهنگی جامعه اسلامی را سست نمود و بدین روی عصر طلایی نهضت علمی اسلامی به خاموشی گرایید.

۴. ادوار نهضت ترجمه را نام برده، به اختصار آنها را توضیح دهید.

## دوره اول

از خلافت منصور آغاز می شود و با وفات هارون الرشید به فرجام می رسد.

نخستین گام های نهضت ترجمه در این عصر برداشته شد.

یکی از ویژگی های این عصر حضور بی شائبه پزشکان ، منجمان و برخی ادیبان در دربار خلافت اسلامی و توجه بیش از پیش خلفا به تنجیم ، پزشکی ، علم ، سیاست ، قصص و ادبیات آن هم زندگی شهریاران است.

طبقه اول مترجمان در این دوره ، نوبخت منجم ، عبدالله بن مقفع (روزبه) ، جورجیس بن بختیشوع و فرزندش جبریل بن بختیشوع ، یوحنا بن ماسویه نصرانی ، ابوسهل فضل بن نوبخت ، علان شعوبی و تتوفیل منجم بودند.

## دوره دوم

با خلافت مامون آغاز و به خلافت مقتدر ختم می شود.

برخی محققان تمام این دوره را عصر طلایی نامیده اند.

از مهمترین ویژگی های این عصر توجه خلفا به علوم عقلی، مباحث کلامی و فعالیت متکلمان معتزلی است.

توجه بیشتر مترجمان به کتاب هایی معطوف بود که در حوزه علوم عقلی نگاشته بودند. برای نمونه عمده

آثار ارسطو و بخشی از کتاب های افلاطون با زمینه و محتوای منطق و فلسفه ، ترجمه و تفسیر گردید.

نخبگان ترجمه این دوره عبارتند از:

احمد بن عبدالله حاسب مروزی ملقب به حبش، حبیش بن حسن أعسم نصرانی ، حسن بن سهل بن نوبخت ، قسطا بن لوقا بعلبکی، ابویعقوب بن اسحاق کندی ، حنین بن اسحاق ، عیسی بن ابراهیم ، یحیی ابن ابی منصور ، یوحنا بن بطریق ، خاندان خوارزمی و حجاج بن یوسف بن مطر.

## دوره سوم

از سال ۳۰۰ هجری آغاز می شود و تا نیمه اول قرن چهارم هجری ادامه می یابد.

عصر افول نهضت علمی مسلمانان به شمار می آید.



بی‌توجهی خلفای این عصر به علوم، ضعف عمده دستگاہ خلافت اسلامی به دلیل رشد مخالفان و معارضان دربار عباسی، رقابت نخبگان سیاسی و کم شدن اعتبار بیت الحکمه بغداد از جمله عوامل رکود علمی این دوره است.

بخشی از نام آوران این عصر: ابوبشر متی بن یونس مترجم و مفسر از زبان سریانی به عربی، ثابت بن قروه دانشمند برجسته و یکی از مترجمان چهرگانه و پسرش ابراهیم، یحیی بن عدی دانشمند، مفسر و مترجم از زبان یونانی و سریانی به عربی، عیسی بن اسحاق معروف به ابن زرعہ دانشمند صاحب نام علم منطق و فلسفه و مترجم از زبان سریانی به عربی، هالل بن ابی هلال حمصی، مفسر و مترجم توانمند، ابوالخیر الحسن بن سوار مشهور به ابن خمار.

۵. چه عواملی موجب شد مسلمانان به ترجمه آثار سایر تمدن‌ها تمایل نشان دهند؟ به اختصار توضیح دهید.

به دو دسته درونی و بیرونی تقسیم می‌شود.

عوامل درونی

۱. تاکید قرآن بر علم اندوزی، دانش افزایی و خرد ورزی.
۲. توصیه مکرر پیامبر اکرم (ص) مبنی بر کسب علم و علم اندوزی حتی از کافران یا از دورترین مکان‌ها.
۳. درک ضعف علمی خود در مواجهه با سایر ملل متمدن.
۴. عدول از روحیه بدوی گری و بیابان گردی
۵. نیاز جامعه به علوم مختلف
۶. اعتقاد خلفا به تنجیم، طالع بینی
۷. رسیدگی به دفاتر مالیاتی، گرداندن امور مالی حکومت، مساحی مناطق تحت سلطه حکومت اسلامی.
۸. تحقق برنامه‌های اقتصادی و افزایش رفاه عمومی
۹. سیاست مذهبی خلفا با اعطای نوعی آزاد اندیشی

۱۰. سیاست گشاده دستی و بخشندگی خلفا

۱۱. تکریم دانشمندان، محققان و ادیبان

۱۲. فراغ خاطر و آسودگی اهل علم

۱۳. تقویت فرقه های گذشته و ظهور نحله های جدید فکری

۱۴. برپایی مجالس سخنرانی و مناظرات علمی.

عوامل بیرونی

برخی از عوامل بیرونی نیز در تهییج جامعه و تشویق آن بر دانش افزایی موثر بود از جمله :

اول. فتوحات اسلامی و رویارویی مسلمانان با تمدن های مختلف.

دوم . انتقال مرکز خلافت از شام به بغداد.

سوم. نزدیکی بغداد به دارالعلم جندی شاپور.

چهارم. مهاجرت اهل ذمه به پایتخت خلافت اسلامی.

پنجم . حضور اندیشمندان با گرایش های مذهبی و ملیت های مختلف در دربار عباسیان.

ششم . حضور فعال نخبگان علم دوست ایرانی.

۶. انتشار کاغذ چگونه توانست در روند رو به رشد نهضت علمی مؤثر باشد؟

انتشار کاغذ تحولی شگرف در امر انتشار کتاب و نسخه برداری به وجود آورد، چه پیش از آن، در عهد گذر از آموزش شفاهی و گفتاری به نظام نوشتاری، ثبت دانسته ها روی پوست های دباغی شده مرسوم بود.

با فتح مصر، کاغذهای مصنوعی به نام بردی یا پاپيروس تا مدتی جای پوست را گرفت اما گرانی و کمیابی بردی و دشواری های نسخه برداری افزود.

با فتح سمرقند، مسلمانان به کارگاه های کاغذ سازی آن دیار دست یافتند.

کاغذ های خوب و مرغوب سمرقند از شهرت بسزایی برخوردار بود، به دارالعلم و بغداد صادر شد.

به دلیل ارزش و اعتبار کاغذ در میان خطاطان و نساخان و همچنین سبکی و کم حجمی آن و سهولت نگارش بر روی آنها تا مدت ها رقابت شدیدی میان محصول نرسیده با بردی های مصری و پوست و چرم های دباغی شده وجود داشت. سرانجام با راه اندازی کارگاه های کاغذ سازی در بغداد که به همت

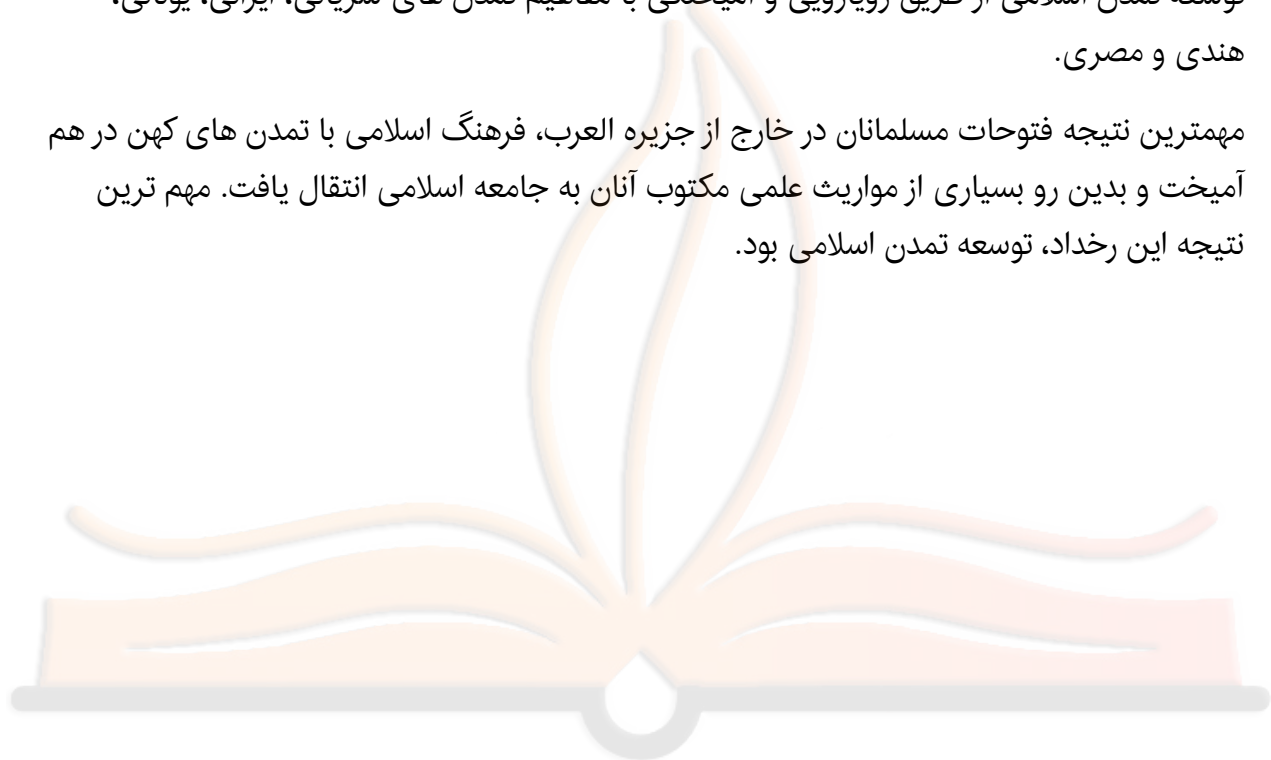
یحیی بن خالد بر مکی صورت گرفت و با تأسیس مراکز مشابهی در دمشق، این رقابت پایان یافت و کاغذ به عنوان بهترین ماده نوشتاری و بدون رقیب شناخته شد.

کاغذ بر شمار کتاب‌های خطی و نسخه‌های خطی ترجمه شده افزود.

۷. نهضت علمی چگونه توانست در رشد و توسعه مراکز علمی اثرگذار باشد؟

توسعه تمدن اسلامی از طریق رویارویی و آمیختگی با مفاهیم تمدن‌های سریانی، ایرانی، یونانی، هندی و مصری.

مهمترین نتیجه فتوحات مسلمانان در خارج از جزیره العرب، فرهنگ اسلامی با تمدن‌های کهن در هم آمیخت و بدین رو بسیاری از موارث علمی مکتوب آنان به جامعه اسلامی انتقال یافت. مهم‌ترین نتیجه این رخداد، توسعه تمدن اسلامی بود.



جزوه باما

## بخش چهارم: نهادهای آموزشی در تمدن اسلامی

۱. چه دلایلی باعث شد رشد فرآیند آموزش در عهد پیامبر اکرم به کندی گراید؟

۱. نبود سنت کتبی رایج پیش از اسلام

۲. نبود منابع کتبی در حجاز به گونه ای که بعد از ظهور اسلام تنها قرآن کریم به عنوان منبع آموزشی وجود داشت

۳. فراگیر نبودن خواندن و نوشتن در میان همه طبقات اجتماعی.

۴. نبودن معلم کافی

۵. نبود و کمبود وسایل آموزشی چون دوات و کاغذ

۶. نبود الفبای منظم و قابل کتابت زبان عربی.

۲. ویژگی های جریان آموزش در عهد خلفای راشدین چگونه بود؟

اوضاع حجاز در دوره حکومت ابوبکر به دلیل جنگ های اهل رده و یا شورش پیامبران دروغین آشفته بود، از این رو خلیفه فرصت زیادی برای اجرای برنامه های تعلیمی نیافت.

هرچند سیاست منع کتاب حدیث بر کندی روند آموزش افزود این سیاست که به ظاهر با هدف عدم امتزاج حدیث با آیات الهی اجرا شد، مانع از نقل حدیث توسط صحاب گردید و به این رو بخش فعالی از جامعه منزوی شد و یکی از داغ ترین مباحث علمی که ممکن و جامعه را به گفتمان، استقلال و عقلانیت وادار به تعطیلی کشیده شد.

تاکید بر ابعاد تعبیدی قرآن و عدم پرداختن به تفسیر آیات الهی، جریان مناقشات علمی را با رکود مواجه می کرد.

عمر دومین خلیفه اسلامی همچنان همان سیاست های خلیفه نخست پیگیری شد.

در پی این سیاست نخستین ایرانی، به درباره خلافت اسلامی راه یافت و به تدوین چنین دیوانی مبادلات نمود.

با تشکیل این نیاز به کارمندان باسواد بیشتر شد و از سویی آموزش همگانی در کنار تعالیم مبانی دینی فزونی یافت. دوره خلافت عثمان بن عفان در حالی سپری شد که توسعه ارضی تمدن اسلامی رو به

فزوننی نهاده بود، اما هنوز جامعه به روش‌های آموزشی مدرسه و یا تعلیم و تربیت مستقیم روی نیآورده بود.

دوره کوتاه خلافت امام علی توان با انجام اصلاحات سیاسی اجتماعی فرهنگی و اقتصادی بود.

در سلر لوحه مباحث آموزشی ایشان زبان عربی قرار داشت که همان زبان قرآن بود.

خطبه‌های فصیح و پرمایه امام در مسجد کوفه بعدها دست مایه ای شد برای دانشوران عرصه علم صرف و نحو که از این دو شهر برخاستند و دو مکتب بصری و کوفی را پدید آوردند.

امام اعتقاد داشت برای رسیدن به یک جامعه ایده آل الهی متمدن و مرفه، توسعه فرهنگی و توجه به تعلیم و تربیت جامعه ضروری است.

خطبه‌ها و نام‌های آن حضرت حاوی توصیه‌های مؤکد ایشان به اندوزی است.

۳. دلایل کندی و توقف نظام آموزش در دوره امویان چه بود؟

۱. به رغم تاکیدهای قرآن کریم و توصیه‌های پیامبراکرم، مردم به درک درستی از کسب علم نایل نشدند و همچنان سنت شفاهی بر نظام آموزش سیطره داشت.

۲. مشکلات داخلی و جنگ‌های پی در پی داخلی و خارجی مانع بزرگی برای ایجاد توسعه فرهنگی بود. در این شرایط خلفای راشدین و امویان مجال مناسبی برای پرداختن به دانش افزایی جامعه اسلامی نیافتند.

۳. ممانعت از کتابت حدیث موجب شد زمینه جدال و مناقشات فکری از جامعه سلب شود در این عرصه صحابه نیز منفعلانه یا از جامعه دوری گزیدند یا اسیر فتوحات خارجی شدند.

۴. تنگ بودن محدوده علم و توسعه نیافتن مبانی آن به دلیل تنگ نظری حکمرانان اسلامی به عنوان عرضه‌کنندگان مباحث علمی و همچنین رخوت مردم به عنوان متقاضیان آن بر کندی روند رشد علم اندوزی افزود. زیرا زمانی که عرضه و تقاضا رو به کاستی نهد درهای علم و توسعه دانش نیز بسته خواهد شد.

۴. چه عواملی در تحول نظام آموزش عصر عباسیان موثر بود؟

آنچه بر روند روبه رشد آموزش در جامعه عباسیان سرعت بخشید، تنوع علوم و کثرت شاخه‌های مرتبط با کلام، الهیات و فقه بود. بنابراین در سده دوم هجری و سده‌های پس از آن شمار مکتب‌خانه‌ها فزوننی

یافت در اواخر قرن چهارم هجری نیز در کنار مساجد به عنوان کانون آموزش اولیه مراکز علمی جدیدی به نام مدارس تاسیس شد که هر یک به نوعی در امر آموزش دخالت داشتند.

پیشوای مکتب بصری ، سیبویه ، نحوی شهیر ایرانی و راهبر مکتب کوفی ایرانی دیگری به نام کسایبی بود.

در این میان عامل قدرتمند دیگری نیز بود که بر رونق علم و توسعه شعله های مختلف آن در دوره عباسیان افزود: امامان شیعه در این دوره با حضوری فعال در عرصه علم و دانش به بسط فضیلت و رواج علوم به ویژه فقه پرداختند.

امام باقر و امام صادق با ارائه طرحی نو در تربیت دانش پژوهان نامبردار این عهد گشتند.

امام باقر(ع) به دلیل وسعت دانش و تبّقر در علوم به باقرالعلوم شهره شد.

از سیراب شونندگان، مکتب ائمه ، زراره بن أعین ، ابوصیر مرادی ، برید بن معاویه عجلی و محمد بن مسلم ثقفی است.

روش تعلیمی امام صادق (ع) تداوم حرکت علمی امام باقر (ع) بود.

کارنامه ۳۴ سال امامت طولانی امام صادق (ع) نهضت علمی فراگیر شیعه بود که میراث فرهنگی عظیم تشیع را در جهان اسلام پی ریزی نمود.

حلقه های درسی امام صادق (ع) در مسجد النبی بر پا می شد.

یکی از اقدامات مهمی که در دوره عباسیان سبب اعتلای تمدن اسلامی شد تاسیس کانون های علمی عمومی و خصوصی بود.

از مهمترین ادوار تاریخی حیات علمی جامعه اسلامی که با هدف ارتقای آموزش و تعمیق مبادی علمی تحقق یافت، تاسیس مهمترین و نخستین مرکز علمی – آموزشی عصر عباسیان ، بیت الحکمه بغداد بود.

در این شرایط نهاد آموزش از رواق مساجد، به عرصه های نوینی سوق داده شد و مدارس تعلیمی و مکتب خانه های بزرگ یکی پس از دیگری متناسب با ساختار شهری توسعه یافت.

یکی از پدیده های آموزشی که از ادوار پیشین به طبقه اشراف عباسی تسری یافته بود موضوع معلمان خصوصی یا همان مودبان بود.

منصور خلیفه دوم عباسی به عنوان اولین خلیفه عباسی برای تعلیم فرزندش مهدی بهترین مودب عصر (مفضل صبی) را استخدام نمود.

مربی هارون الرشید نیز یحیی بن خالد برمکی بود.

افزون بر این فضای پر تکاپوی نیمه دوم قرن دوم تا چهارم هجری شرایط بسیار خوبی را بر مراکز علمی حکمفرما کرد.

یکی از دوره های که بیشترین مناظرات علمی و مجالس وعظ و خطابه و گفتگو در آن رخ داد، عصرمامون است.

از بهترین مجالس علمی عصر مامون ، مجالس امام رضا (ع) در طوس است.

اهتمام خلفای دوره اول عباسی به تاسیس مساجد جامع، مکاتب و مدارس تراز اول و حتی راه اندازی کتابخانه و نمایشگاه های کتاب روز به روز بر رونق علمی جامعه اسلامی افزود.

5. نقش ائمه شیعه در گسترش فرهنگ آموزش چه بود؟

عامل قدرتمند دیگری نیز بود که برای رونق و توسعه شعبه های مختلف آن در دوره عباسیان افزوده: امامان شیعه در این دوره با حضور فعال در عرصه علم و دانش به بسط فضیلت و رواج علوم به ویژه فقه پرداختند.

امام باقر و امام صادق با ارائه طرحی نو در طبیعت دانش پژوهان، نامبردار این عهد گشتند.

امام باقر به دلیل وسعت دانش و تبقر در علوم به باقرالعلوم شهره شد.

وصف حلقه درس و یا مجالس مناظرات علمی ایشان در بیشتر منابع روایی و تاریخی آمده است.

حاصل تلاش ۱۹ ساله نهضت فرهنگی امام باقر، تربیت شاگردان برجسته ای بود که منابع نام ۴۶۷ نفر از آنها را ثبت کردند.

امام صادق نیز با حضوری فعال در عرصه تدریس فقه اسلامی دریچه نوین در فقه شیعه گشود.

در حقیقت مبانی مذهب شیعه با تلاش های مکرر ایشان تحکیم یافت.

فضای سیاسی منحط و آشفته این دوره به دلیل انتقال خلافت امویان و عباسیان، برای ائمه شیعه فرصتی مغتنم تا با فراغت از سختگیری ها و ممنوعیت های خلفای وقت به تشریح، تبیین و استحکام مبانی مذهب شیعه بپردازند.

6. زاویه ها در تاریخ آموزش اسلامی چه جایگاهی دارند؟

اما زاویه یا ستون قسمتی از مسجد است که در اثر توسعه و گسترش مساجد به تدریج شکل گرفت و در تاریخ آموزش جایگاهی ویژه یافت.



هر یک از دانشمندان و یا استادانی که در مسجد مجلس درس می‌آراستند رو به قبله یکی از ستون های مسجد تکیه می‌دادند و دانشجویان نیز پیرامون آنها گرد می‌آمدند.

به تدریج با جدیت استاد در برگزاری مجلس درس پایه همان ستون آنجا به نام همان استاد نامیده می‌شد.

۷. چگونگی استقلال مدارس از مساجد را به اختصار توضیح دهید.

با توسعه جامعه اسلامی و وجوب آموزش از دوره خردسالی نیاز اساسی شکل گرفت که کودکان می‌باید از سنین پایین تعلیم یابند.

بنابراین آموزش دینی همگانی شد و شمار دانش آموزان در مسجد فزونی یافت.

هرچند جمعیت زیاد تنها بهانه‌ای برای جدا کردن مکتب و کتاب از مسجد نبود، بلکه با تغییر سن فراگیران و خردسالی نوآموزان دیگر مسجد نمی‌توانست محل مناسبی برای تحصیل آنها باشد.

از این رو ترس از آلوده شدن مسجد توسط خردسالانی که به سن تکلیف نرسیده بودند و عدم کنترل نوآموزان کم سن و سال و از سویی احتمال هتک حرمت به مسجد و همچنین ازدحام بیش از حد آنان که خود مانعی جدی برای عبادت کنندگان بود، مسئولان جامعه اسلامی را بر آن داشت تا در کنار مساجد، مکتب و کتاب را برای استقرار و آموزش کودکان و نوآموزان بسازند.

در برخی روایات، سلمان فارسی را مبدع مکتب دانسته‌اند. این مطلب از دو جهت می‌تواند اهمیت داشته باشد، از یک سو دلیلی بر پیدایی مکاتیب در عصر پیامبر بوده، از سوی دیگر سو مؤید ایرانی بودن اصل کتاب باشد.

۸. مدارس نظامیه چه مدرسی بودند؟ ویژگی‌ها و امتیازات آنها را برشمارید.

خواجه نظام الملک طوسی اولین مدرسه تحت نظارت مرکز خلافت اسلامی را با نام نظامیه در بغداد راه اندازی نمود.

بیشتر درآمد این مدارس از طریق موقوفات تامین می‌شد.

آنچه در رونق این مدارس موثر واقع شد تعیین کمک هزینه های ثابت برای دانشجویان و اعطای تسهیلات آموزشی به آنها بود.

از مجموعه اطلاعات نظامی ها در کتاب های تاریخی ویژگی های مدارس از جمله زیر است:

۱. تخصصی بودن مدارس در علوم خاص چون فقه و اصول فقه شافعی.
  ۲. برخورداری از معماری زیبا استفاده از مصالح عالی، تزیینات برجسته و اثاثیه مرغوب.
  ۳. دارا بودن املاک و موقوفات بسیار.
  ۴. به کارگیری استادان ممتازی چون، غزالی، امام الحرمین جوینی، شیخ ابواسحاق شیرازی و ابونصر بن صباغ
  ۵. داشتن امکانات رفاهی
  ۶. اعطای شهریه دانشجویان
- مدرسه مستنصریه توسط خلیفه عباسی المستنصر بالله در بغداد به سال ۶۳۰ هجری ساخته شد. در این مدرسه چهار مذهب اهل سنت در چهار ایوان مجزا تدریس می گردید. ابن جبیر در وصف مساجد و مدارس بغداد در قرن ششم چنین می نگارد:
- دیگر مسجد های شرق و غرب بغداد از فرط فزونی به شمار درنگنجد و مدارس آن شهر سی مدرسه باشد که تمام در سمت شرقی واقع شده و هر مدرسه چنان است که کاخی بدیع و با شکوه در برابر آن حقیر می نماید.

۹. رباط ها در تاریخ آموزش اسلامی چه جایگاهی داشتند؟ تفاوت آنها با زاویه چه بود؟
- در اصل نوعی بنای نظامی و قلعه تدافعی بزرگ بود که مجاهدان فی سبیل الله برای حفظ سرزمین های اسلامی از حملات دشمنان از جانب دریا و خشکی و نیز به منظور پایداری در برابر شورشهای داخلی آنها را می ساختند. به تدریج با فروکش نمودن عصر فتوحات و از رونق افتادن جهاد برون مرزی رباط ها به صورت خانه هایی برای عبادت مسلمانان مورد استفاده قرار گرفت.
- بنای این رباط ها مستطیل شکل و بت برج های دیده بانی بود ک شباهت بسیاری به قلعه ها و یا استحکامات نظامی داشت.
- اما زاویه یا ستون قسمتی از مسجد است که در اثر توسعه و گسترش مساجد به تدریج شکل گرفت و در تاریخ آموزش جایگاهی ویژه یافت.
- هر یک از دانشمندان و یا استادانی که در مسجد مجلس درس می آراستند رو به قبله یکی از ستون های مسجد تکیه می دادند و دانشجویان نیز پیرامون آنها گرد می آمدند.

به تدریج با جدیت استاد در برگزاری مجلس درس پایه همان ستون آنجا به نام همان استاد نامیده می‌شد.

۱۰. ساختار آموزشی بیمارستان را به اختصار توضیح دهید.

در کنار مراکز وابسته به نهاد مسجد که عمدتاً به آموزش و تعلیمات دینی اختصاص داشت، مکان‌هایی نیز به تدریس علوم دیگر چون پزشکی می‌پرداختند، زیرا پیشه پزشکی با حیات آدمی و سلامت جامعه پیوندی متقن دارد و از خطرناک‌ترین حرفه‌های جامعه بشری به شمار می‌آید.

تاریخ تشکیل نخستین بیمارستان به عصر رسول اکرم(ص) و جنگ خندق باز می‌گردد.

جندی شاپور به عنوان بهترین مرکز آموزش پزشکی نمونه خوبی برای ساخت مرکزی مشابه به شمار می‌رفت.

تنها دوره ای که می‌توان در آن آثار رونق تعلیم طب و راه اندازی آموزشگاه پزشکی را یافت ، عصر عباسیان است.

۱۱. سیر تکاملی مفهوم مدرسه را در تمدن اسلامی به اختصار بیان کنید.

مدارس در تمدن اسلامی کار خود را به دو شکل منحصر به فرد خصوصی و دولتی آغاز کردند.

مدارس خصوصی خانه‌هایی بودند که استادان و شاگردان با گردآمدن در آنجا به امر تعلیم می‌پرداختند.

نخستین نمونه‌های عالی مدارس خصوصی در تاریخ علمی نیشابور گزارش شده است.

نیشابور از مهمترین و بزرگترین شهرهای اسلامی و بعد از بغداد در بین همه شهرهای بزرگ اسلامی بی‌مانند بوده است.

در نیمه دوم قرن پنجم تحت نظارت خلافت اسلامی مدارس دولتی تاسیس شد، اینگونه مدارس در عهد وزیر توانایی شافعی مذهب درباره سلجوقیان، خواجه نظام الملک طوسی راه اندازی شد و نظامیه نام گرفت.

۱۲. ویژگی‌های عمده مدارس مصری چه بود؟

۱. کثرت مدرسه سازان و سبقت خیران و واقفان در امر ساخت مدرسه

۲. وسعت زیاد مدارس و برخورداری از معماری زیبا و شگرف.

۳. تجهیز مدارس با بهترین وسایل ممکن

۴. ایجاد امکانات رفاهی چون کتابخانه و قرائت خانه، خوابگاه آشپزخانه، محل خرید و حمام.

۵. دارا بودن املاک موقوفه با درآمد های قابل توجه برای دخل و خرج مرکز تعلیمی.

۶. اعطای مستمری به استادان و مدرسان.

۷. اعطای شهریه به دانشجویان و علم آموزان.

۱۳. مدارس مغرب اسلامی چه ویژگی های عمده ای داشت؟

۱. برخورداری از فضای مناسب و معماری زیبا

۲. دارا بودن سالن های کتابخانه ای مجهز

۳. برخورداری از استادان برجسته و صاحب نام

۴. اعطای تسهیلات به دانشجویان و استادان

۵. داشتن موقوفات بسیار

۱۴. ساختار آموزشی دانشگاه های اسلامی و بیان دارید.

۱. استاد و شیوه آموزشی

۲. معید

۳. دانشجو

۱۵. شیوه های آموزشی در دانشگاه های اسلامی چگونه بود؟

در نظام تعلیم و تربیت اسلامی به وجود استاد و راهنما تاکید بسیاری شده.

بنابر همین نظر بسیاری از مورخان و محققان برجسته، آموزش دانش را فن و مهارتی ویژه دانستند که امروزه به روش تدریس مرسوم است.

نظام آموزش و تدریس و ارتباط میان استاد و شاگرد در مدارس خصوصی به همان سیاق پیشین حکمفرما بود.

اما با تشکیل کلاس های دولتی چون نظامیه ها، شرایط نظام استاد شاگردی تفاوت کرد و از سویی با استخدام استادان تمام وقت و پاره وقت در این مراکز علمی شبانه روزی، تشکیلات آموزشی تغییر کرد و به تبع آن نیز جایگاه استاد به گونه دیگر شد.

چنان که هر یک از مدارس نظامیه یک استاد حقوق بگیر استخدام کردند.

بیشتر مدارس قرن چهارم و پنجم هجری از وجود استادانی بهره می بردند که عمدتاً حقوق ماهیانه می گرفتند و شاگردان آنها رایگان تحصیل می کردند.

۱۶. جایگاه و وظایف استاد در نظام آموزشی تمدن اسلامی را توضیح دهید.

در مدارس اسلامی، استاد در راس هرم آموزشی قرار داشت.

گاه اهمیت به استاد چنان بود که دانش پژوه بی استاد همچون انسانی بی خدا و یا راهنمایی شده به دست اهریمن تلقی می شد.

بسیاری از مورخان و محققان برجسته ، آموزش دانش را فن و مهارتی ویژه دانسته اند که امروزه به روش تدریس موسوم است.

تعداد استادان حقوق بگیر هر نظامیه ، یک نفر بود.

کرسی شکوهمند نظامیه بغداد متعلق به ابواسحاق شیرازی بود.

ارجمندترین و شایسته ترین گروه علمی ، استادان و دانشمندی بودند که در مدارس و دانشگاه ها تدریس می کردند.

ابواسود دوئلی گفته است:

چیزی گران بها تر از دانش آموختن نیست. فرمان روایان بر مردم فرمان می دهند ولی دانشمندان بر فرمان روایان فرمان می رانند.

یکی دیگر از دلایل موید جایگاه اجتماعی استادان شرایط حضور دانشجویان در محضر استاد و یا باریافتن استاد به کلاس درس در تاریخ مدارس اسلامی است.

غسل و وضو و عطرآگین کردن جزو اصول استاد و شاگردی بود.

۱۷. معید چه کسانی بودند و وظایف آنها چه بود؟

معیدان یا استادیاران کسانی بودند که در کار تدریس دستیار استاد به شمار می آمدند. این افراد عمدتاً شاگردان برجسته همان استاد بودند که افتخار دست یاری اش را می یافتند. به عنوان نمونه ابواسحاق شیرازی در میان شاگردان استاد ابوطیب طبری دانشجویی برجسته بود. در وقفنامه مدرسه ناصریه مصر وظیفه معید این چنین بیان شده است: برای کسی که نیازمند توضیح است درس را شرح دهد و او را برای درس های آینده آماده کند ودانشجویان را به کار تشویق نماید.

۱۸. وضعیت دانشجو در ساختار نظام آموزشی را تشریح نمایید.

درس خواندن و پای محضر استاد حاضر شدند و یا در حلقه علمی درآمدن افتخاری بود که در نظام آموزشی اسلامی به دانشجویان اعتبار می بخشید.

در ساختار آموزشی مدارس و دانشگاه های اسلامی دو نوع دانشجو وجود داشت:

المُشتغل و المستمع

المُشتغل : دانشجویی بود که به طور ثابت و تمام وقت تحصیل می کرد و کمک هزینه بیشتری نسبت به سایر دانشجویان دریافت می نمود.

المُستمع : دانشجویی بود که به طور پاره وقت و آزاد در کلاس های درس حاضر می شد و تنها وظیفه او شنیدن و بهره بردن از محضر استاد بود.

۱۹. در دانشگاه های اسلامی، مراحل آموزشی توسط دانشجویان چگونه طی می شد؟

در تمدن اسلامی طی کردن مراحل آموزشی برای دانشجویان شرایطی داشت:

مرحله نخست آموزش در مسجد و مکتب شکل گرفت.

مرحله دوم خود به دو مرحله دیگر تقسیم می شد که شامل مرحله متوسطه و عالی بود. در این مرحله دانشجو ناگزیر برای کسب علم و یا درک محضر استاد برجسته دیار خود را ترک می گفت.

طبق اسناد تاریخی، بسیاری از عالمان ممتاز دوره های مختلف اسلامی در سنین پایین چنین کرده اند.

این مرحله همواره با انتخاب دانشجو توأم بود چنانکه دانشجو در انتخاب استاد و مواد درسی و رشته تحصیلی کاملاً آزادانه عمل می‌کرد.

۲۰. وظایف دانشجو در نظام آموزشی اسلامی چه بود؟ (هشت مورد کافی است.)

از مهمترین وظایف دانشجویی:

۱. خوش اخلاق و نیک روش باشد، زیرا بد اخلاق از دانش سودی نمی برد.
۲. گذشتن از همه چیز برای رسیدن به دانش و حتی ترک دیار و رحل غربت افکندن.
۳. احترام به استاد و گوش جان سپردن به او، چرا که گفته اند:  
هر کس سه پدر دارد:  
یکی آنکه او را تولید کرده است؛ دیگری آنکه او را پروراند است و سه دیگر آنکه او را آموزش داده است و این سومی از همه بهتر است.
۴. با دید عمیق و اطمینان خاطر و علاقه ای وافر رشته معین را برای تحصیل طولانی خود برگزیند.
۵. در تمامی طول تحصیل سخن پیامبر را به یاد آورد: برای خود بینی و بالیدن و یا برای جلب توجه فرمانروایان و یا برای هر کار بیهوده دیگری در جهان، دانش میندوز.
۶. تمامی تلاش خود را به کار بندد تا از دانش افزایی و معرفت جویی لذت برد
۷. در کار اندوزی شکیبیا و با استادش صبور و مهربان باشد.
۸. از استادش فرمان براند و به او احترام گذارد و در راه رفتن بر او پیشی نگیرد.
۹. پیش از ورود استاد در کلاس درس حاضر شوند و مودبانه ترین شیوه را در نشستن برگزیند.
۱۰. در زمان درست گفتن استاد همه مطالب را خوش خط بنویسد.
۱۱. امرا از هر که شد باید بیاموزد از این رو طبقه و شأن و فرومایگی در یافتن گوهر دانش جایگاهی ندارد.
۱۲. در گزینش استاد احتیاط کنند و از شتابزدگی بپرهیزد
۱۳. از باریدن به ثروت و دارایی و یا فروشی نسبی بپرهیزد.
۱۴. از کمک‌رسانی به همدرسان خود دریغ نوزد و در پیوند عاطفی با آنان بکوشد.
۱۵. به هر بهانه از کلاس درس غافل نشود.



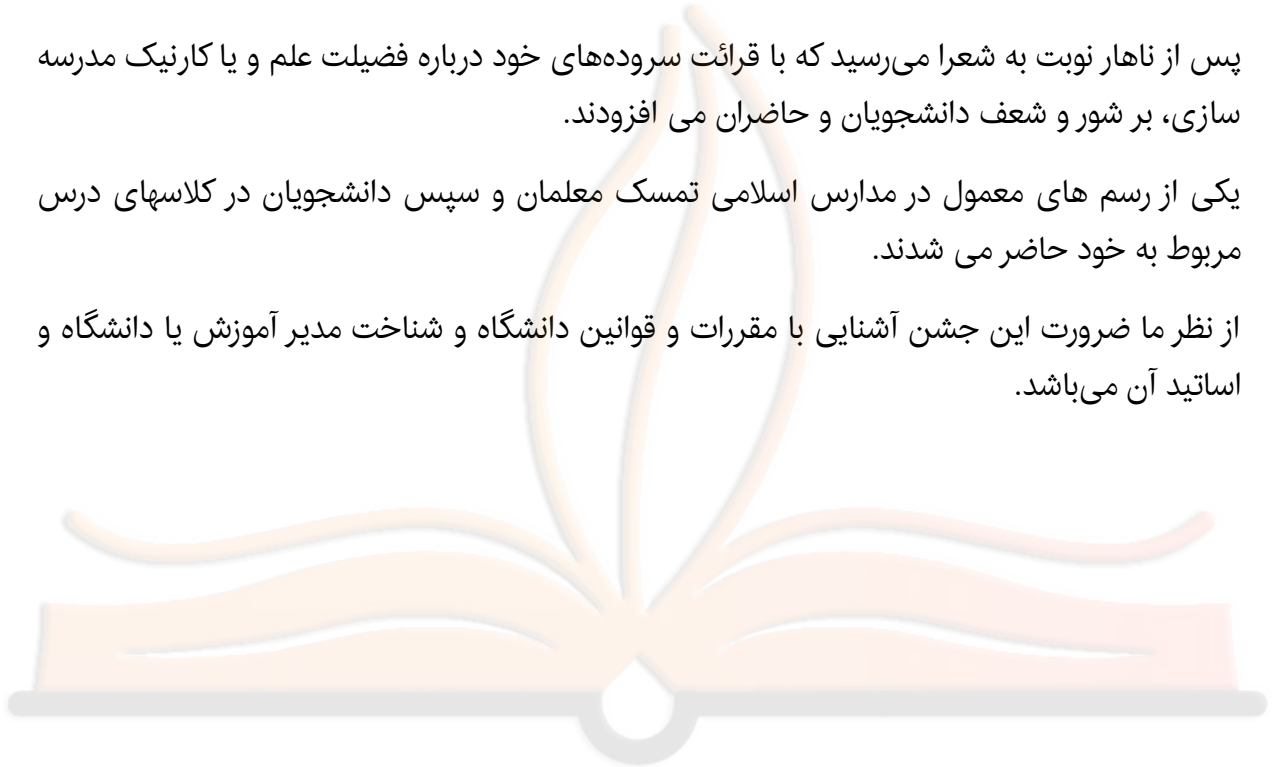
۲۱. جشن افتتاح دانشگاه را توضیح دهید؟ به نظر شما اجرای این مراسم چه ضرورتی داشت؟ یکی از آداب دانشگاهی برپایی جشن افتتاح مدرسه و یا دانشگاه بود که به عنوان رسمی معمول توسط بنیان‌گذاران آن اجرا می‌شد.

مراسم افتتاح مدرسه با تلاوت آیاتی از قرآن آغاز و استاد جدید توسط مدیر آموزشگاه یا دانشگاه معرفی می‌گردید. پس از معارفه کلاس‌های درس برگزار و سپس سفره پذیرایی پهن می‌شد.

پس از نهار نوبت به شعرا می‌رسید که با قرائت سروده‌های خود درباره فضیلت علم و یا کارنیک مدرسه سازی، بر شور و شغف دانشجویان و حاضران می‌افزودند.

یکی از رسم‌های معمول در مدارس اسلامی تمسک معلمان و سپس دانشجویان در کلاسهای درس مربوط به خود حاضر می‌شدند.

از نظر ما ضرورت این جشن آشنایی با مقررات و قوانین دانشگاه و شناخت مدیر آموزش یا دانشگاه و اساتید آن می‌باشد.



جزوه باما

## بخش پنجم: هنر د ر تمدن اسلامی

۱. به نظر شما بهترین تعریف که می‌توان از هنر به دست داد چیست؟ دلایل خود را توضیح دهید.

۲. هنر اسلامی را تعریف کنید.

هنر مکاشفه ای است از صورگوناگون هستی در روند تجربه یا مهارتی عرفانی که در قالب کلام، موسیقی، تصویر، تجسمی، نمایشی و یا معماری در دسترس همگان قرار می‌گیرد.

۳. قلمرو هنر اسلامی کجاست؟ آن را با سایر قلمرو های

هنری مقایسه نمایید.

بی‌گمان یکی از ممیزات هنر اسلامی با سایر هنرهای هم‌مرز خود، در همین ساحت است.

چنانکه برخی از هنرهای زمینی، طبیعت را عرصه‌ی پرشکوهی برای پرواز روح و اندیشه هنرمند می‌دانند و همه مصادیق طبیعت را در هنر خود دنبال می‌کنند.

عده‌ای دیگر، ماورا و کائنات را عرصه‌ای برای پرواز اندیشه هنرمند دانسته، رستگاری روحانی را در آثار خود به تصویر می‌کشند.

قلمرو هنر اسلامی نه طبیعت محدود و دامنه تجربی آن است و نه کائنات و ماورا و دامنه ب‌تجربیدی آن بلکه قلمرو آن تمامی جهان هستی است، از غیبت تا شهادت، از روح تا طبیعت، از هستی تا معاد و در یک سخن از صبحگاه خلقت گرفته تا لحظه دیدار حق تعالی اقرار پیوسته هنرمند اسلامی به احدیث و وسعت بیکران هستی و سیر آفاق و انفس ای در همه مظاهر هنر چون معماری، موسیقی، تجسمی، صنایع دستی و حتی نمایش شعر ادبیات و... نهفته و متجلی است.

۴. نظر اسلام درباره هنر چیست؟

با بررسی تاریخ هنر می‌توان دریافت که همواره هنر با ساده‌ترین شکل خود در خدمت دین اعم از الهی یا غیر الهی بوده است

ساده‌ترین شکل معماری معابد و سرودهای مذهبی و شمایل‌نگاری و اشکال مختلف هنرهای نمایشی و آیینی و یا آثار تجسمی و صنایع دستی، با دین‌های الهی و غیر الهی ارتباط تنگاتنگ داشته‌اند.

قرآن کریم ابتدا در برابر هنر مجسمه سازی موضعی تند گرفت زیرا طرد بت پرستی بدون نفی بت سازی بی فایده بود.

نخستین تجلیات هنر اسلامی در ساختن مسجد نمودار شد.

مساجد همایش شکوهمندترین مظاهر هنر اسلامی است.

در تاریخ تحول خوشنویسی، خط فنی کوفی به نسخ تغییر یافت.

خوشنویسی نمودی برای تجلی خداوند و تعالیم اوست و همه پیکره هنر و نمادهای فرهنگ اسلامی را در خود دارد.

کتیبه های زیبای حاوی پیام های منثور و منظوم قرآن به همراه نام انبیا احادیث شریف پیامبراکرم بر یا اسامی حکمرانان و یا هنرمندان و خطاطان بخش علمی و ماهیت تمدن اسلامی را می سازد.

5. ویژگی های هنر اسلامی در عصر امویان چه بود!

یک. مضامین هنری این دوره بیشتر تلفیقی است که بخشی از بیزانس و بخشی دیگر از شرق به ویژه سرزمین ایران گرفته شده است.

دو. مضامین هنری عصر اموی بازنمایی نوعی تفنن و تفریح است.

چنان که در تصاویر این دوره بیشتر رامشگران و خنیاگران، باده گساران و بند بازان، صحنه های شکاری، کشتی و آب تنی و بازی های دریایی وجود داشت.

سه. نقاشی های تزئینی و کاربرد تصاویر انسانی توأم با تصاویر گیاهی در بیشتر تصاویر و نقش مایه های این دوره موجود است.

چهار. تندیس های این دوره چندان با کیفیت نبوده و بیشتر ملهم از ایران و آسیای مرکزی است.

6. ویژگی های هنر اسلامی در عصر عباسیان را توضیح دهید؟

اوج بالندگی تمدن اسلامی که از عصر منصور آغاز شده بود. در دوران هارون الرشید و فرزندش مأمون به بار نشست.

هارون با شارلمان رابطه دوستی برقرار نمود و این نزدیکی به تبادل هدایا و تحف نیز انجامید.

به رغم ظاهر این پیمان و ارتباطی که برای جلوگیری از نفوذ طرفین به خاک یکدیگر بود، بسیاری از مفاهیم فرهنگی - هنری فرصت انتقال و تبادل نظر یافتند اما این عصر زرین با بی درایتی واپسین خلفای عباسی به تلخ کامی مبدل شد.

در مورد رشد استقلال سرزمینهای تحت سلطه خلافت

استقلال سرزمین های تحت سلطه خلافت عباسی در آغاز نیمه دوم این خلافت روی داد و یکی پس از دیگری فرش های مهمی چون ایران یقا و بخش های مختلفی چون مغرب مصر و اسپانیا و مراکز تست سوتین آن اعلام استقلال نمودند و هرگز متناسب با شرایط خود مستقیم و یا نیو مستقل از درباره خلافت عباسی اداره می شدند این امر مهم همچون سایر بخش های تمدنی در رشته هنر اسلامی نیز تأثیر مهمی بر جای نهاد از این هنر اسلامی در منطقه محلی و محدوده محدودیت های ترافیکی ایجاد کرده است و همین مضامین تقویت فرهنگ و هنر بومی را در خود حفظ

یکی دیگر از جریان های مهمی که در عصر میانی عباسیان شرک گرفت و مفاهیم دیگری را در هنر این دوره وارد کرده بود ترکان به دستگاه خلافت اسلامی بود این صورت دیگری از هنر را به جهان اسلام وارد نمودند که به کلی با نمونه های پیشین خود متفاوت بود

۷. به نظر شما چه عواملی در شکوفایی هنر اسلامی موثر بود؟

از عوامل رشد و اعتلای هنر اسلامی:

۱. انتقال مرکزیت خلافت اسلامی به بغداد و نقش مهم این تغییر در تحول هنرهای اسلامی.

۲. نهضت علمی جهان اسلام و آشنایی با آثار هنری سایر تمدن ها.

۳. حضور وزرای کاردان و طراز اول ایرانی در دربار عباسیان.

۴. اعمال سیاست مدارای فرهنگی که زمینه رشد مفاهیم اساسی هنر بود.

۵. اعلام استقلال سرزمین های تابعه خلافت اسلامی با حفظ کلیت اسلام که منجر به نفوذ هنرهای محلی و تقویت مضامین ملی شد.

۶. رقابت حکمرانان محلی برای کسب منزلت علمی و بالا بردن تجلیات هنری که به دعوت هنرمندان از اقصی نقاط انجامید.

۷. رشد اقتصاد، توسعه تجارت و زراعت و تکاثر ثروت به عنوان زمینه ساز بروز آثار فاخر هنری چون کاخ های زیبا، مساجد با شکوه، عمارت های بدیع و ظروف و اشیای تجملی و تزئینی.

۸. اهمیت دربار خلافت عباسی به افزایش تشریفات و به کار بردن نشان های تجملی که یادگار عصر اکاسره و قیصره را در خود داشت.

۹. توجه به خلفا به نموده‌های فرهنگی فاخر، ممارست به ساخت شهرها و اماکن هنری بدیع و همچنین ترویج استفاده از پوشاک عالی و ملزومات برجسته.

۸. هنر تزئینی و معماری در عملیات اندلس چگونه بود؟

یک. هنر تزئینی

یافت بسیاری از آثار مکشوف چون سفالینه‌ها، شیشه، ابزار فلزی و ظروف آشپزخانه و انواع اشیای محکوک و حجاری شده، برظرافت صنعتگران مسلمان اندلس دلالت دارد.

اشیای زیبای تزئینی و تجملی چون جعبه جواهرات با سرپوش نیم کره ای و یا ظروف منقوش به طرح‌های زیبای گیاهی و حیوانی، بازتابی از هنر اصیل اسلامی است.

البته کنده کاری عاج نیز در کارگاه‌های سلطنتی رواج داشت.

بر همین اساس منبر مسجد قیروان و محراب مسجد اعظم قرطبه با نقش مایه‌های بسیار زیبا و ترکیب بندی شکوهمند ساخته شده، در این دو اثر برجسته به خوبی همه ظرافت استادکاران اندلس به نمایش گذاشته شده است.

یکی از امتیازات مهم هنر امویان اندلس معماری مصور آنهاست که بعدها به اروپا و کلیسای مسیحی راه یافت.

سبک صورتگری شرقی که تداعی گر هنر باستانی فلات ایران بود، از طریق هنرمندان این عرصه جهان غرب منتقل گردید.

کانون‌های مهم فرهنگی - هنری اسپانیا که فعالانه این گونه مفاهیم را انتقال می‌دادند، قرطبه، غرناطه، اشبیلیه بودند.

دو. معماری

یکی از نمونه‌های برجسته معماری در عصر امویان اندلس مسجد قرطبه است.

این مسجد که تاریخ پر فراز و فرودی را پشت سر نهاده طی سال‌ها تغییرات بسیاری یافته است کخ یکی از شاهکارهای هنر اسلامی است.

قوس‌ها، گنبد‌ها، محراب و ستون‌های مختلف ضمن افزودن به ارزش‌های زیباشناختی مسجد، مجموعه‌ای بدیع از معماری اسلامی ایران فراهم آورد.

از میان قصر های امویان آندلس می توان وبه قصر مدینه الزهرا که به سبک معماری سوری بنا شده اشاره نمود.

در این قصر افزون بر عناصر معماری، سر ستونهای تزئینی، موزاییک و مرمر تراش خورده، پیکرهای مرمری، سنگهای حجاری شده، گچبری و چوب محکوک و منقوش نیز به کار رفته است.

وجود آرایه های مرکب هندسی و یا پیکره ای با غلبه عناصر گیاهی، همه از نبوغ استاد کاران مسلمان حکایت دارد.

کاربرد گچ به عنوان مصالح رایج معماری در این دوره فزونی یافت و استفاده از مقرنس با برای تزیین مناره ها نیز بر زیبایی های معماری این عصر افزود.

بعدها همین معماری شگرف، غرب جهان اسلام و جنوب اروپا را از خود متاثر نبود و بسیاری از نمادهای معماری اسلامی را در خود نگاه داشت.

۹. در عصر فاطمیان هنرهای تزئینی و معماری به چه صورت بود؟

یک. هنرهای تزئینی

هنر چوب بری و کنده کاری با نقش مایه های نباتی اسلیمی و روح سرزنده و پویای هنر اسلامی، در مصر عصر فاطمی احیا شد.

سایر هنرهای تزئینی چون فلزکاری، عاج کاری، شیشه گری و بلور سازی به اوج خود رسید.

برنز کاری فاطمیان نیز ملهم از هنر شرقی، هم چنان رواج داشت.

اشیای جمعی به دست آمده از این عصر به ویژه پیکره های حیوانی و انسانی و یا تصاویر ظروف مایعات و بخورسوزها، آشکارا تاثیر هنر اواخر ساسانی و صدر اسلام را در خود دارد.

در کنار تصاویر حیوانی و نباتی، تزئین کاری با خط کوفی نیز متداول بود.

عالی ترین تجلی تغییرات هنری تبدیل خط کوفی به خط نسخ در اواخر عصر فاطمی است.

دو. معماری

شهر مهدیه اولین پایتخت فاطمیان در تونس ساخته شد و نماد های معماری اموی و عباسی را در خود داشت.

شهر منصوریه ، دومین شهر و پایتخت نو بنیاد فاطمیان در مغرب اسلامی است.

کاخ های مجللی چون قصر آشیر و قلعه بنی حماد در مرکز الجزایر نشان دهنده توان هنری فاطمیان است.

عمده بناهای شمال آفریقا نمونه های برجسته ای از تلفیق معماری بومی منطقه و عناصر بناسازی اسلامی است.

یکی از بهترین نمونه های شهرسازی فاطمیان در مصر، بنای شهر قاهره در نزدیکی فسطاط پایتخت اسلامی مصر است.

دو مسجد مهم قاهره ، الزهرا و جامع الحاکم است.

مسجد الزهراء به عنوان کانون مهم علمی فاطمیان در میان مراکز علمی و معارف اسلامی از اواخر قرن چهارم به بعد جایگاه والایی یافت.

الزهراء دارای دو مقصوره است که بزرگترین آنها به نام دختر پیامبر اسلام، مقصوره فاطمه نام گرفته است.

از دیگر معماری های مهم عصر فاطمی ساخت دومین مسجد الحاکم بامرالله است. از بناهای فاخر و شگفت انگیز فاطمیان به شمار می آید.

اصلی ترین عناصر تزئینی در معماری فاطمیان، گچبری و کنده کاری است. کاربرد چوب در این دوره متداول بود، اما از آنجا که چوب عنصری پایا نیست، در اثر فرسایش و یا ناملايمات روزگار بیشتر آثار چوبین از میان رفته و یا آسیب جدی دیده اند.

در کنار معماری مذهبی مساجد، نوعی دیگر از معماری تقدس گونه رشد کرد که به آرامگاه و مقبره مشهورند

بسیاری از این اماکن که از سنگ و آجر و ساروج با ترکیب عناصر تزئینی ساده می دانستند و برای خود جایگاه امامت قائل بودند، آرامگاه و مقبره متبرک را به مثابه ابزار جاودانگی پنداشته اند، برای ارتباط با مدیران و یا گرامیداشت روح بزرگان، از ساخت آرامگاه حمایت می کردند.

با این توصیف دوره فاطمیان یکی از بهترین ادوار تاریخی جهان اسلام به شمار می آید.

رشد شهرسازی و توسعه فرهنگ مسجدسازی، بنای آرامگاه و مزارات مهم و قصر سازی در کوتاه ترین زمان ممکن، به مصر را به بزرگ ترین کانون هنری فرهنگی جهان اسلام مبدل کرد و تحولات سترگی و معماری در غرب عالم اسلام ایجاد نمود.



## بخش ششم: تاثیر تمدن اسلامی بر تمدن غرب

۱. راه های ورود و نفوذ فرهنگ و تمدن اسلامی به اروپا کدامند؟ توضیح دهید.

راهیابی فرهنگ و تمدن اسلامی با مفاهیم غنی و پر محتوای آن به اروپا سال‌ها به طول انجامید. این خزش به ظاهر آرام فرهنگ اسلامی، راه های مختلفی را پیمود، اما آنچه توانست سریع‌تر به اروپا وارد شود و همه مرزها را درنوردد «ایدئولوژی اسلامی» بود. شاید یکی از مهم ترین و مطمئن ترین و البته سریع ترین راه های نفوذ ایدئولوژی اسلامی «فتوحات اسلامی در جنوب اروپا» باشد.

به سخن دیگر ارتباط دیرینه سیاسی و تجاری یونان و روم باستان با سرزمین‌های مصر، شام و مغرب از یک سو و روابط تنگاتنگ و منافع مشترک اروپاییان در اسپانیا و سیسیل از دیگر سو موجب گردید پس از فتوحات فرهنگ اسلامی به سرعت در اروپا گسترش یابد.

علاوه بر این سایر راه های ورود فرهنگ و تمدن اسلامی به اروپا را در این موارد نیز می‌توان جستجو نمود:

ترجمه متون کهن اروپاییان و تالیف آثار علمی جدید با رویکرد تلفیقی و یا اصیل، روابط اقتصادی و تجارت آزاد مبتنی بر برتری مسلمانان، جنگ های صلیبی ۲۰۰ ساله، عزیمت هنرمندان و مهاجران مسلمان به غرب و موطن‌گزینی آنان در آن سرزمین.

نخستین انتقال و نفوذ طبیعی فرهنگ و تمدن اسلامی به اروپا از طریق کانون های جغرافیایی مصر، اندلس و سیسیل به سرعت انجام شد و آنچه توانست به این روند انتقال سرعت بخشد جنگ های صلیبی بود.

۲. اندلس در گسترش فرهنگ اسلامی به اروپا چه جایگاهی داشت؟

اندلس اسپانیا یکی از مهم‌ترین کانون های تلاقی و رویارویی فرهنگ اروپایی و فرهنگ اسلامی است. به اعتبار همین اهمیت، بسیاری از محققان اندلس را بازار معرفت و فرهنگ جهانی می‌دانند.

زیرا مسلمانان به عنوان تولید کنندگان و عرضه کنندگان و اروپاییان نیز به عنوان مشتریان متاع های اسلامی در آنجا حضوری فعال داشتند.

فتوحات اسلامی در اندلس از سال ۹۲ هجری آغاز شد و پس از سه سال بیشتر اسپانیا به تصرف مسلمانان در آمد و نخستین پادشاهان اسپانیا طارق بن زیاد و موسی بن نصیر بودند.

فتح سریع و گسترده اسپانیا حاکی از استقبال مردم و عدم مقاومت آنها در برابر فاتحان مسلمان بود، بدین رو ساکنان اصلی این سرزمین خیلی زود مقهور سپاهیان مسلمان شدند.

رواج کیش اسلام در اندلس و پا گرفتن دولت فرهنگ و تمدن اسلامی در آنجا به ترویج و گسترش فرهنگ اسلامی انجامید. یکی از مهمترین نتایج اشاعه فرهنگ و تمدن اسلامی در اسپانیا آشنایی رهبران مسیحی با آراء و عقاید اسلامی بود. رهبران مسیحی متأثر از اندیشه های اسلامی در اندلس، در آراء و عقاید مسیحیت تغییرات ایجاد کردند.

### ۳. نقش سیسیل در انتقال فرهنگ و تمدن اسلامی به اروپا چه بود؟

در سال ۱۰۶۰ میلادی سی توسط نورمن ها فرد کند راجر اول، پالرمو را در سال ۱۰۷۰ میلادی فتح کردو آنجا را پایتخت حکومت خود قرار داد.

به رغم سیطره طولانی مدت نورمان هابر سیسیل، فرهنگ و تمدن اسلامی همچنان هویت خود را حفظ نمود.

سیسیل بعد از اسپانیا بزرگترین کانونی بود که همه فرهنگ و تمدن اسلامی و علوم مرتبط با آن را به اروپا منتقل کرد. دانشمندان آگاه به سه زبان یونانی، لاتین و عربی نقش بسزایی در ترجمه علوم از عربی به لاتین ایفا نمودند.

برای نخستین بار از طریق سیسیل، کتاب کلیله و دمنه توسط امین اوجین، مترجم زبردست پالرمو به لاتین ترجمه شد. اینگونه فعالیت های علمی بیشترین تاثیر خود را بر ادبیات شعر و هنر ایتالیایی بر جای نهاد.

### ۴. با استدلال ، چگونگی انتشار علوم مختلف تمدن اسلامی به تمدن غربی را توضیح دهید.

اروپا در زمینه تمدن مادی در جریان جنگ های صلیبی مسلمانان وامدار است.

زیرا در طی سالیان درازی که این جنگ ها در جریان بود، رویارویی با ملل مسلمان اجتناب ناپذیر می نمود. در نتیجه این مواجهه، اروپائیان در زمینه صنعت و تکنیک، آموزه های سودمندی را از مسلمانان فراگرفتند.

بدین روی، مصنوعات مسلمانان وارد بازارهای اروپائیان شد و بسیاری از فناوری کشاورزی و روشهای صنایع دستی به اروپا راه یافت. به هر روی، اروپائیان وارث علوم و فنی شدند که قرن ها مسلمانان با جان و دل در پرورش آنها کوشیدند.

علوم بالیده در دامان جامعه اسلامی به جهان وارد شد و خیلی زود آثار خود را بر جای نهاد.

## ۵. راهیابی علم نجوم و ریاضی از تمدن اسلامی به تمدن غربی چگونه بود؟

دستاوردهای مسلمانان در زمینه ریاضیات منجر به عرضه خدمات ارزنده ای به تمدن جهانی شد.

در پی نیاز اساسی جامعه اسلامی به علوم مختلف ریاضی، حساب و نجوم، منجمان و ریاضی دانان بسیاری از اقصی نقاط به مراکز علمی فراخوانده شدند.

از آنجا که اساس علم نجوم و گاه شماری بر فیزیک و ریاضی نهاده شده بود و در میزان دقت اندازه گیری فواصل ستارگان و طول و عرض آنها ریاضیات نقش موثری داشت، توجه به مبانی ریاضیات ضروری می نمود. افزون بر این، آموزه های قرآن کریم نیز در مورد سیر آفاق و انفس و دقت در سیر ستارگان و عالم افلاک در این رویکرد علمی (مبتنی بر عم ریاضی) بسیار تعیین کننده بود.

آنچه بر رونق علم ریاضی افزود، ترجمه آثار هندی سدهانتا ویا آثار سریانی، قبطی و یونانی چون اصول اقلیدس در عصر نهضت ترجمه بود.

با بازگرداندن نویسی از آثار ریاضی هندی و یونانی به عربی، ریاضی دانان مسلمان با شرح و بسط مبانی آن توانستند نخستین گام های توسعه دانش ریاضی را بردارند.

با تاسیس رصدخانه به منظور مطالعه نجوم، علم ریاضی رشد بیشتری یافت و با تحقق محاسبات مهم نجومی توسط مسلمانان، برای نخستین بار در طول یک درجه از نصف النهار با دقتی بالا اندازه گیری شد. افزون بر این توجه خلفای عباسی به علم نجوم موجب شد مدارس و مراکز تعلیم علم و راه اندازی شود.

## ۶. واژگان اسلامی چگونه به تمدن غربی راه یافت؟

چهار طریق اصلی انتقال واژگان اسلامی به زبان عربی عبارتند:

۱. ترجمه آثار غربی و معادل سازی واژگان عربی.

۲. رویارویی مستقیم از طریق فتوحات اسلامی یا جنگ های صلیبی و یا بازرگانی و تجارت.

۳. مهاجرت و موطن گزینی مسلمانان در مناطق تحت سیطره تمدن وری

۴. مهاجرت و موطن گزینی اروپائیان در مناطق تحت سیطره تمدن.

## بخش هفتم: ضعف و انحطاط تمدن اسلامی

۱. عوامل رکود تمدن اسلامی را نام ببرید.

عوامل درونی شامل :

ضعف خلافت اسلامی

خودکامگی و استبداد

اشرافی‌گری و فساد درباریان

انحطاط اخلاقی حکومت اسلامی

جنگ های داخلی

تجزیه امپراتوری اسلامی

آشفتگی جهان اسلام

عوامل بیرونی شامل:

تهاجم دشمنان خارجی

رومیان

صلیبیان

مغولان

۲. علل درونی ایستایی تمدن اسلامی را توضیح دهید و نتایج آن را بنویسید.

یک. ضعف خلافت اسلامی

مهمترین علت انحراف از اسلام راستین را نظام خلافتی دانست که هرگز بر مدار اصلی خود قرار نگرفت.

نادیده انگاشتن حق الهی و عدول از شایسته سالاری شاید مهلک ترین ضربه ای بود که بر پیکره اسلام

از یک سو و تمدن اسلامی از دیگر سو فرود آمد.

طبق تئوری ابن خلدون در کنار عوامل رشد و بالندگی ، زمینه های رکود و رخوت نیز شکل می گیرد که با

غفلت از این آفات ، انحطاط تمدن حتمی خواهد بود.

رخدادهای مهم تاریخی که در بروز ضعف درباره خلافت و رشد آفات تمدنی موثر بودند وقایعی چون:

روی کار آمدن خلفای ناکارآمد، فساد مالی، سیاسی و دینی دستگاه خلافت، ورود ترکان به بغداد در عصر خلافت معتصم، استیلای آل بویه بر اریکه قدرت عباسیان، سلطه سلجوقیان بر درباره خلافت عباسی، قدرت‌گیری وزرا و امیرالامرا و سرانجام هجوم مغولان به بغداد همگی در انحطاط دستگاه خلافت اسلامی موثر بودند.

دو. خودکامگی و استبداد

تمدن اسلامی را به سوی انحطاط سوق داد.

یکی از مهمترین دلایل فرار خردورزان و هنرمندان و صنعتگران و در یک کلام حاملان فرهنگ از مرکزیت خلافت اسلامی، نفاق حکمرانان، نیرنگ خلیفگان و خودکامگی دولت مداران بود.

تندخویی، زور خشمی، خونریزی و مال دوستی صفات ممتاز خلفایی چون مقتدر قاهر و رازی و سایر خلفای عباسی بود این صفات ناپسند در استواری های حاکمیت اسلامی افزوده بود.

ابن خلدون معتقد است خودکامگی و ناز و نعمت و تجمل حکومت را در سرایشی سالخوردگی قرار می دهد.

سه. اشرافی گری و فساد درباریان

فساد درباریان و به تبع آن پایداری نمودن حقوق مستضعفان و مظلومان، کاخ نشینی، مجالست با زنان درباری، راه اندازی مجالس بزم و باده گساری و شعر و آواز خوانی، غفلت از کار رعیت و امور دولت را در پی داشت.

عللی که در پدید آمدن فقر و یا بر هم خوردن تناسب اجتماعی و از میان رفتن عدالت اقتصادی موثر در ایجاد طبقه مرفه تجمل پرست و مترف نیز اثر گذارند.

یکی از مهمترین تبعات اشاعه فساد و خو گرفتن جامعه به ارزش های نامعقول و نامتعادل، تضاد طبقاتی است که جامعه را به سوی تباهی می کشاند.

چهار. انحطاط اخلاقی حکومت اسلامی

یکی از نتایج مسلم فتوحات اسلامی سراریز شدن بخش عظیمی از غنایم هنگفت به مرکز خلافت اسلامی بود.

یکی از عوارض دنیاپرستی، رشد رذایل اخلاقی در جامعه است.

یکی از بهترین تجلیات این انحطاط، افراط خلفای عباسی در بر پا داشتن جشن اعیاد چون فطر و قربان، نوروز، سده، مهرگان و یا اعیاد قبطی و مسیحی بود.

جشن عروسی مامون خلیفه عباسی با پوران دخت بهترین نمونه تجمل دربار خلافت اسلامی است.

از جمله کسانی که در میان خلفای عباسی به سبب خوش گذرانی ، انحطاط به فرمانروایی وی راه یافت ، مستعصم آخرین خلیفه عباسی است.

دنیاگرایی حکمرانان و خلفای اسلامی ، انحطاط نظام سیاسی تمدن اسلامی را نیز در پی داشت.

انس و عادت اربابان قدرت به تن آسانی و راحت طلبی، شجاعت و دلاوری آنها را از میان برد و در فساد و تباهی غرق شان نمود به این رو بد فرجامی دولت فرا رسید و زمینه زوال و سقوط سیاسی فراهم می شد.

پنج. جنگ های داخلی

روی کار آمدن حکمرانان قدرتمند سیاسی ، شرایط مناسبی را برای تجزیه سرزمین های اسلامی فراهم آورد.

دو شهر مکه و مدینه به دلیل اهمیت بسیار مذهبی میان خلفای فاطمی و عباسی دست به دست می چرخید.

در کنار منازعات سیاسی و رقابت ها بر سر قدرت و نحله های فکری و رهبران مذهبی نیز برای دستیابی به امتیازاتی سر به شورش برداشته و هر یک رأیت مخالف افراشتند.

پیام های مکرر علویان و زیدیان و شورش های سادات حسنی و یا مخالفت های خوارج و اسماعیلیان، اوضاع آشفته ای را در مرکز خلافت اسلامی و یا مناطق تابعه ایجاد کرد.

بدین روز سیادت مذهبی و سیاسی عباسیان کاهش یافت و نشانه های زوال نمایان شد.

شش. تجزیه امپراتوری اسلامی

در نتیجه هرج و مرج های داخلی در قرن چهارم هجری رفته رفته امپراطوری بزرگ اسلامی میان حکمرانان منطقه ای و یا والیان مستقل و نیمه مستقل تقسیم شد این تجزیه اجتناب ناپذیر حدوداً تا اواخر قرن پنجم هجری به طول انجامید و خاندان های نام برداری اداره سرزمین های اسلامی را به دست گرفتند.

پس از تجزیه ی سرزمین های اسلامی و تشکیل حکومت های خاندانی ، تنها محدوده ی بغداد در دست خلیفه ی عباسی باقی ماند.

بدین ترتیب امپراتوری تجزیه شده اسلامی به ظاهر وحدت سیاسی خود را از دست داد، اما وحدت دینی و مذهبی آن همچنان حلقه پیوند سرزمینهای دور و نزدیک اسلامی بود.

هفت. آشفستگی جهان اسلام



حضور ترکان و ظلم و ستم آنان در بغداد باعث شد خلفای عباسی ناگزیر مرکز خلافت را از بغداد به سامرا تغییر دهند.

اما این سیاست نتوانسته از وخامت اوضاع بکاهد.

ضعف درباره خلافت و مشکلات داخلی بسیار و از دیگر سو قدرت گیری عنصر ترک در مرکزیت خلافت موجب شد اوضاع سیاسی، اجتماعی و فرهنگی آشفته گردد.

نافرمانی ها، شورش های مختلف عمومی و دسته بندی های فرقه ای نیز مرتب رخ می داد.

بی تردید در چنین شرایطی تحریک دشمنان خارجی چون رومیان و مغولان که سال ها در صدد بودند تا برای حمله به مرزهای اسلامی فرصتی بیابند مسلم به نظر می رسید.

بنابراین در اواخر دوره خلافت عباسیان درباره خلافت تنها سایه از اقتدار پیشین خود را حفظ کرده بود و خلیفه بازیچه ای بیش در دست غلامان ترک نبود.

نتایج عوامل درونی

کساد بازار علم و دانش ، فرار دانشمندان عرصه علم ، انفعال فرهیختگان عرصه عمل ، از هم گسیختگی جغرافیایی و اضمحلال وحدت اسلامی ، غفلت از مردم و افزایش اختلافات طبقاتی ، تحریک دشمنان خارجی برای حمله به سرزمین های اسلامی ، آشفته گی نظام اقتصادی ، ازدیاد فقر عمومی ، افزایش هرج و مرج داخلی و ....

۳. علل بیرونی رکود تمدن اسلامی چه بود؟

تهاجم دشمنان خارجی

در حالی که دولت عباسی واپسین سالهای خلافت را طی می کرد اوضاع آشفته جهان اسلام دشمنان خارجی را برای حمله به مرزهای اسلامی تحریک نمود

یک. رومیان

به دنبال قدرت گیری حکمرانان محلی و نابسامانی درباره خلافت اسلامی به ویژه رقابت و منازعات قدرت میان عباسیان در بغداد و فاطمیان در مصر وحدت مذهبی جهان اسلام نیز به مخاطره افتاد. این تزلزل سیاسی و اصول مذهبی زمان تجزیه امپراتوری عظیم اسلامی و تهدید قلمرو حکومت عباسیان رومیان را که مدتها مفهوم مسلمانان بود واداشت تا با استفاده از این فرصت به سرزمین های مسلمان نشین بتازند.



در نتیجه دست اندازی نظامی رومیان جزایر مدیترانه چون قبرس سیسیل که سال ها تحت سلطه مسلمانان بود به تصرف رومیان افتاد و بین رو سیادت مطلق مسلمانان در مدیترانه خاتمه یافت شهر های مرزی در سرحدات شام چون مصیصه، طرسوس، حمص، انطاکیه، بندر لاذقیه یکی پس از دیگری به دست رومیان اشغال شد و لشکریان آنها تا شمال بین النهرین و نصیبین پیش تاختند و بسیاری از مسلمانان را کشته و یا اسیر کردند.

حد وارد و جنگهای پی در پی شرایط دشواری را در این مناطق ایجاد نمود چنان که گفته اند قتل و غارت مهاجمان به شیوع بیماری وبا و حصبه و گرانی شدید اجناس و مواد خوراکی منجر شد تا جایی که مردم به رفع گرسنگی لاشه مردار میخوردند.

دو. صلیبیان

جنگ های بی امان صلیبی که به دو قرن به طول انجامید آثار اسفباری را بر هر دو جامعه مسلمانان و مسیح بر جای نهاد.

این که به راستی علل وقوع این رخداد مهم تاریخی چه بود یا اینکه چه انگیزه ای تمام این دو قرن مسیحیان و شوالیه های اروپایی را به صف آرایی بر ضد مسلمانان با داشت پرسش هایی است که نیازمند بررسی دقیق تاریخ جنگهای صلیبی و وضعیت سرزمین های اسلامی درگیر جنگ است.

سه. مغولان

با مرگ چنگیز و انتخاب اوکتای خان به جانشینی او ، اردوکشی مغولان به غرب آغاز شد و به دروازه های اروپا رسید.

سردار بزرگی که می توانست برای حمله به آسیای غربی تجهیز شود هولاکو خان برادر خان بزرگ مغول ، منکوقآن بود.

هولاکو خان با حمله به بغداد خالفت عباسیان را از میان برد.

شهر بغداد از چهار سو مورد حمله مغولان قرار گرفت و سرانجام با منجنیق های ویرانگر و پرتاب تیر های سهمگین مسلمانان شکست خوردند و شهر بغداد یک هفته در آتش قتل و تاراج سوخت و آمار کشته گان شهر فزونی یافت.

سقوط بغداد در سال ۶۵۶ هجری و برق افتادن خلافت عباسیان ضربه ای دهشتناک بر جهان اسلام وارد نمود و همه هوا و سداد را از میان برد مرگ حزن انگیز آخرین خلیفه عباسی و کشتار دسته جمعی مردم عراق موجب شد سایر شهر های اسلامی نیز تسلیم مغولان شوند.

۴. عوامل موثر در ایجاد ضعف خلافت اسلامی چه بود؟

از مهمترین دلایل فرار خردورزان و هنرمندان و صنعتگران و در یک کلام، حاملان فرهنگ از مرکزیت خلافت اسلامی، نفاق حکمرانان، نیرنگ خلیفه گان و خودکامگی دولت مداران بود.

تندخویی، زود خشمی، خونریزی و مال دوستی صفات ممتاز خلفای چون مقتدر قاهر و راضی و سایر خلفای عباسی بود این صفات ناپسند بر استواری های حاکمیت اسلامی افزوده بود. از این روست که ابن خلدون معتقد است خودکامگی و ناز و نعمت و تجمل حکومت را در سراشی بی سالخوردگی قرار می دهد.

۵. انحطاط اخلاقی درباره خلافت اسلامی چگونه زمینه سقوط تمدن اسلامی را فراهم آورد؟

یکی از نتایج مسلم فتوحات اسلامی سراریز شدن بخش عظیمی از غنایم هنگفت به مرکز خلافت اسلامی بود.

یکی از عوارض دنیاپرستی، رشد رذایل اخلاقی در جامعه است.

یکی از بهترین تجلیات این انحطاط، افراط خلفای عباسی در بر پا داشتن جشن اعیاد چون فطر و قربان، نوروز، سده، مهرگان و یا اعیاد قبطی و مسیحی بود.

جشن عروسی مامون خلیفه عباسی با پوران دخت بهترین نمونه تجمل دربار خلافت اسلامی است.

از جمله کسانی که در میان خلفای عباسی به سبب خوش گذرانی، انحطاط به فرمانروایی وی راه یافت، مستعصم آخرین خلیفه عباسی است.

دنیاگرایی حکمرانان و خلفای اسلامی، انحطاط نظام سیاسی تمدن اسلامی را نیز در پی داشت.

انس و عادت اربابان قدرت به تن آسانی و راحت طلبی، شجاعت و دلوری آنها را از میان برد و در فساد و تباهی غرق شان نمود به این رو بد فرجامی دولت فرا رسید و زمینه زوال و سقوط سیاسی فراهم می شد.

۶. جنگ های داخلی چگونه در بروز انحطاط تمدن اسلامی تاثیر نهاد؟

هرج و مرج های درونی ناشی از اختلافات دنیا گرایان دین مدار در عرصه حکومتی و غیر حکومتی ضعف دربار خلافت اسلامی را موجب شد.

رقابت و مخالفت دربار خلافت اسلامی بغداد و مصر و از سوی روی کار آمدن حکمرانان و والیان قدرتمند سیاسی، شرایط مناسبی را برای تجزیه سرزمین های اسلامی فراهم نمود.

بر همین اساس مناطقی چون شام، مصر، مغرب، تونس و یمن طرفدار فاطمیان شدند و ایران بزرگ و به بین النهرین و شمال آن نیز از طرفداران عباسیان به شمار آمد دوشهر مکه و مدینه نیز به دلیل اهمیت بسیار مذهبی میان خلفای فاطمی و عباسی دست به دست می‌چرخید.

در کنار منازعات سیاسی و رقابت‌های بر سر قدرت، نحله‌های فکری و رهبران مذهبی نیز برای دستیابی به امتیازاتی سر به شورش برداشته و هر یک رأیت مخالف افراشتند.

قیام‌های مکرر علویان و زیدیان و شورش‌های سادات حسنی و یا مخالفت‌های خارج و اسماعیلیان اوضاع آشفته‌ای را در مرکز خلافت اسلامی و یا مناطق تابعه ایجاد کرد بدین روز سیادت مذهبی و سیاسی عباسیان کاهش یافت و نشانه‌های زوال نمایان شد.

#### ۷. تجزیه امپراتوری اسلامی چه تاثیری بر ایستای تمدن اسلامی داشت؟

در نتیجه هرج و مرج‌های داخلی در قرن چهارم هجری رفته رفته امپراطوری بزرگ اسلامی حکمرانان منطقه‌ای و یا والیان مستقل و نیمه مستقل تقسیم شد. این تجزیه اجتناب ناپذیر حدوداً تا اواخر قرن پنجم هجری به طول انجامید و خاندان‌های نام برداری اداره سرزمین‌های اسلامی را به دست گرفتند.

در این میان تنها محدوده بغداد در دست خلیفه عباسی باقیمانده هر چند تا مدت‌ها دست کم تا زمان حمله مغول درباره خلافت اسلامی می‌توانست سیادت معنوی خود را در سرزمین‌های تحت تسلط حفظ نماید و حکمرانی محلی و یا والی آن وابسته به دربار خلافت با خواندن نام خلیفه در خطبه و یا ضرب سکه به نام وی بخشی از مشروعیت سیاسی و دینی خلافت را به خود منتقل کرده، حاکمیت خود را در سرزمین‌های اسلامی حفظ کردند.

#### ۸. ارتباط آشفستگی جهان اسلام و سقوط تمدن اسلامی چه بود؟

در پی بی‌تدبیری واپسین خلفای اسلامی عصر عباسی اوضاع اجتماعی فرهنگی و اقتصادی جهان اسلام به وخامت گرایید.

ترکان وابسته به دربار و عرب‌های عامل خلافت به جان مردم افتاده، برای افزودن اندوخته‌های خود هر رویدادی را پیشه کردند.

همه جا تاراج بود: خلفا اموال وزیران را مصادره می‌کردند و وزرا اموال عمال را می‌گرفتند، و عمان نیز جان و مال مردم را به یغما می‌بردند.

حضور ترکان و ظلم و ستم آنان در بغداد باعث شد خلفای عباسی ناگزیر مرکز خلافت را از بغداد به سامرا تغییر دهند.

اما این سیاست نتوانسته از وخامت اوضاع بکاهد.

ضعف درباره خلافت و مشکلات داخلی بسیار و از دیگر سو قدرت گیری عنصر ترک در مرکزیت خلافت موجب شد اوضاع سیاسی، اجتماعی و فرهنگی آشفته گردد.

نافرمانی ها، شورش های مختلف عمومی و دسته بندی های فرقه ای نیز مرتب رخ می داد

بنابراین در اواخر دوره خلافت عباسیان درباره خلافت تنها سایه از اقتدار پیشین خود را حفظ کرده بود و خلیفه بازپچه ای بیش در دست غلامان ترک نبود.

۹. تاثیر جنگ های صلیبی برای سقوط تمدن اسلامی را توضیح دهید.

۱. اختلاط نژادی

بسیاری از سربازان مسیحی با زنان مسیحی سوریه ازدواج کردند و این ازدواج خود را پیامد داشت ا: فزون شدن شمار مسیحیان در طی مدت دو قرن جنگ های صلیبی و ازدواج صلیبیان اروپایی با بومیان سوریه که موجب اختلاط نژاد میان آنها شد.

۲. رونق فساد اجتماعی

یکی از آثار مخرب جنگ های صلیبی گسترش فساد و فحشا در مناطق اشغال شده توسط صلیبیان بود.

۳. تخریب شهرهای اسلامی

بی تردید یکی از آثار مخرب جنگ ، ویرانی بخش های آباد تمدنی است. شهرهایی که در مسیر لشکریان صلیبی قرارداد ویران شدند.

۴. قتل عام عمومی

بسیاری مورخان به کشتار بی سابقه مسلمانان اشاره کردند.

برای نمونه غارت و چپاول شام و یا محاصره چهل روزه بیت المقدس و فتح آن که هرگز بدون خونریزی و قتل آن مقدر نشد.

قتل عام در قدس یک هفته به طول انجامید و در نتیجه آن ۷۰ هزار مسلمان کشته شدند.

متأسفانه به دلیل غفلت خلفای اسلامی و رخوت حکمرانان مسلمان این کشتار وحشیانه هیچ واکنشی را در پی نداشت و همین موضوع انفعالی جهان اسلام بر ابعاد فاجعه و عمق آن افزود.

۱۰. آثار سوء هجوم مغولان به مرکز خلافت اسلامی بغداد چه بود؟ به اختصار توضیح دهید.

۱. ویرانی و تاراج شهرها

یکی از عوارض ناخوشایند جنگ، غارت و چپاول قوم مغلوب و پیروزمندی و مستی مهاجمان است. مهمترین نتیجه مستقیم جنگ های فراگیری چون تهاجم همه جانبه مغولان، غارت و ویرانی شهرهاست.

دوم. انهدام کانون های علمی

آنچه در این میان آسیب جدی و جبران ناپذیری خواهد خورد از میان رفتن مفاخر فرهنگی یک قوم است. در این حمله هیچ یک از مراکز فرهنگی در شرق جهان اسلام در امان نماند و ضایعات جبران ناپذیری بر پیکره تمدن اسلامی فرود آمد.

۲. انهدام کانون های علمی

آنچه بیش از همه آسیب دید و نهادهای علمی کتابخانه و آموزشگاه ها بودند.

از دانشمندان و عارفان و شاعرانی که یا جان دادند یا با کوله باری از کتاب به مناطق امن گریختند، می توان برای نمونه یاقوت حموی را نام برد که از نویسندگان معاصر دهه نخست حمله مغولان به ماوراء النهر و خراسان است.

بی ثباتی اقتصادی و ناامنی سیاسی به همراه بحران های اجتماعی و قتل عام فرهیختگان علم و دانش، اوضاع تمدن جهان اسلامی را آشفته تر کرد.

۳. ویرانه آبادی ها و نابودی نظام آبیاری

در نتیجه حملات دهشتزایی مغول بیشتر شهرها به ویژه بغداد ویران شدند و در این میان بیشترین آسیب به جدید به مناطقی رسید که به لحاظ اقتصادی به کشاورزی وابسته بودند.

## بخش هشتم: ظرفیتهای موجود در جهان اسلام

۱. موقعیت جغرافیایی کشورهای اسلامی را بیان کنید و بنویسید دلایل اهمیت جغرافیای آنها در چیست؟  
چهل کشور رسماً "کشور اسلامی قلمداد می شوند.

مطابق آمارهای موجود بیش از ۹۳٪ از جمعیت خاورمیانه و شمال آفریقا مسلمان اند و کمتر از ۳٪ مسیحی و حدود ۳٪ این مناطق نیز دارای دین های قبيله اند.

طی سالیان اخیر نیز حمل و نقل هوایی از طریق خاورمیانه و ایجاد ارتباط میان کانون های تجاری اروپا و هند آسیای جنوب شرقی و خاور دور و استرالیا بر اهمیت منطقه افزوده است.

۲. کشورهای اسلامی منطقه خاورمیانه کدامند؟ وضعیت اقتصادی آنها را شرح دهید.

کشورهای اسلامی منطقه خاورمیانه حدوداً میان عرض های ۲۰ و ۴۰ درجه شمالی در منطقه انتقالی بین آب و هوای استوایی و عرض متوسط قرار گرفته اند.

اختلاف نژادی و تنوع زبانی به همراه گویش های متنوع در مناطق مختلف خاورمیانه بسیار است.

با اینکه مردم این منطقه به زبان سه زبان اصلی عربی، فارسی و ترکی سخن می گویند زبان های بومی و گویش های منطقه ای نیز در نواحی مختلف آن کاربرد دارد.

تلاقی سه قاره بزرگ آفریقا، آسیا و اروپا و از سویی دیگر چهارتنگه بزرگ استراتژیک دنیا در منطقه خاورمیانه موجب شده است این منطقه از اهمیت جغرافیای سیاسی فوق العاده برخوردار باشد.

۳. مرزهای فرهنگی کشورهای اسلامی را بیان نموده و هر یک را به اختصار توضیح دهید.

با وجود تمایز ملی و تفاوت هویت های سرزمینی، عمده کشورهای مسلمان به جز ایران و ترکیه تحت تاثیر زبان عربی هستند.

ناهمگونی فرهنگی کشورهای اسلامی به سه دسته تقسیم شده است:

اول. کشورهای دارای ناهمگونی زبان و اشتراک مذهبی:



در اغلب این کشورها در کنار زبان رسمی، زبان های بومی متنوعی وجود دارد که به دلیل همین ناهمگونی زبانی، یکپارچه سازی ملی مقدور نیست، اما از آنجا که مذهب غالب آنها اسلام است همه اقلیت های زبانی گردهم آمده اند.

برای نمونه کشورهایی چون مراکش و الجزایر که بیشتر جمعیتشان عرب زبان هستند اقلیت بربر زبان اند، اما با تابعیت اسلام مشکل تاخیر وحدت ملی را مرتفع نموده اند.

کشوری چون ایران با دارا بودن ۹۱% مسلمان شیعه، یکی از متنوع ترین و ناهمگن ترین کشورهای اسلامی به شمار می آید.

دوم . کشورهای دارای ناهمگونی مذهبی و اشتراک زبانی:

اگر چه دین اسلام در برخی از کشورها رسمیت دارد، تنوع فرقه ای و تفاوت های مذهبی میان آن ها بسیار است.

برای نمونه کشوری چون مصر با وجود رسمیت داشتن زبان عربی یک تقسیم ساده درون فرقه ای در آن وجود دارد، بدین بیان که همواره میان اکثریت سنی. ۹۰% و ۱۰% ملیت قبطی با وجود زبان عربی واحد و آداب و رسوم مشترک نزاعی ممتد وجود داشته است.

کشور دیگری چون جمهوری عربی یمن نیز دارای اختلافات برون فرقه ای ساده است.

سوم . کشورهای ناهمگون زبانی مذهبی :

کشورهایی چون عراق و سودان و فلسطین اشغالی دارای اختلافات مذهبی و ناهمگونی زبانی فراوانی هستند.

در عراق سه گروه بزرگ فرهنگی وجود دارد :

کردهای سنی (۲۰%)

عرب های سنی (۲۵%)

عرب های شیعه (۵۵%)

با اینکه شیعیان دو برابر عرب های عراق را تشکیل می دهند در صحنه های سیاسی تاریخ عراق حضور کمتری داشته اند.



یکی از مهمترین موانع جدی وحدت عراق گرد زبانان هستند و تاریخ عراق مشحون از سرکوب، کرد زبانان است.

یکی از تلخ ترین خاطرات کرد زبانان انجام حمله ی شیمیایی به حلبچه توسط رژیم وقت عراق است.

۴. منابع زیرزمینی کشورهای اسلامی کدام اند؟ به اختصار توضیح دهید.

ماهیت چند بعدی کشورهای اسلامی شرایط خوب جغرافیای سیاسی و دسترسی به آبهای آزاد جهان همواره موجب شده است در طول تاریخ کانون توجه زورمندان و استعمارگران واقع گردند تلاقی سه قاره مهم آسیا و اروپا و آمریکا از یک سو و ذخایر غنی مواد اولیه و اندوخته های معدنی و نیز موقعیت ممتاز تجاری و بین المللی کشورهای اسلامی به ویژه در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا از دیگر سو و میزان اهمیت آنها افزوده است.

۵. چگونگی شکل گیری اوپک را توضیح دهید.

در پی فزونی یافتن مصرف نفت در آمریکا اروپای غربی و ژاپن در سال های ۱۹۶۰ - ۱۹۵۰ و از سویی به دلیل اتخاذ سیاست های سودجویانه و قیمت های ناعادلانه سیاست های نفتی از سوی کشورهای تولیدکننده سران پنج کشور عربستان سعودی ، عراق ، کویت ، ایران و ونزوئلا در بغداد گردهم آمدند و اوپک را تاسیس کردند.

از بسته شدن کانال سوئز در اثر جنگ اعراب و اسراییل در سال ۱۹۶۷ لیبی بیشترین سود را برد.

چند سال بعد عربستان ، عراق، کویت ، ابوظبی و قطر اولین باب مذاکره با شرکت های نفتی را گشودند. به دلیل عدم رشد فن آوری لازم و نبود مهارت های فنی همچنان شرکت های نفتی خارجی در کشورهای اسلامی فعال باقی ماندند.

اما در سالیان اخیر شرکت های ملی نفتی چون شرکت ملی نفت ایران، کویت، لیبی و شرکت پترو مین در عربستان سعودی موفق به پیشرفت هایی در امور مختلف پالایش و... شدند و همین از میزان وابستگی آنها تا حدودی کاست.

۶. سرمایه فرهنگی و معنوی جهان اسلام کدام اند؟ هر یک را به اختصار توضیح دهید.

مهمترین سرمایه های فرهنگی و اصول معنوی مشترک در سرزمین های اسلامی عبارتند از:

اول. قرآن کریم

کتاب دینی مشترک میان همه ی مسلمانان با مذاهب متفاوت اسلامی اعم از شیعه و سنی است. کتاب آسمانی که مهمترین عنصر جدایی ناپذیر هویت اسلامی است کلید راهنمای مسلمانان و رمز و موفقیت زندگی آنان است.

دوم. قبله مشترک

مکه مکرمه که مرکزیت تفکر توحیدی ، یادگار ابراهیمی ، نخستین مهبط وحی و کانون نضج نهال اسلام است.

سوم. آیین حج

عامل وحدت همه مسلمانان در جهان است زیرا هر ساله مسلمانان در ایامی خاص در آن گرد می آیند.

چهارم. مسجد

از مهمترین عناصر مشترک میان مسلمانان ، کانون عبادی مسجد است که زیباترین تجسم خارجی بینش اسلامی در آن متجلی است.

پنجم. زبان عربی

زبان وحی و قرآن کریم و ادعیه الهی است که بخش های وسیعی از جهان اسلام را تحت پوشش دارد.

خواندن نماز به شکل واحد در ساعات خاصی از شبانه روز و یا قرائت قرآن کریم و اذکار و ادعیه آن هم با زبان قرآن عامل مهمی در پیوند مسلمانان است.

ششم. آداب و مناسک

فرائض مشترک فرقه های اسلامی چون نمازهای پنج گانه و روزه در ماه مبارک رمضان به مفهوم امت واحده می افزاید.

هفتم. اعیاد اسلامی مشترک

به رغم گوناگونی فرهنگی ، قومی و زبانی میان همه جوامع مسلمان ، مجموعه ای از آداب و رسوم مشترک مؤید همبستگی میان آنان است.

اعیادی چون عید قربان و یا عید فطر و حتی مبعث رسول اکرم (ص) حلقه پیوندی است که آداب و سنن اسلامی را در همه عالم به گونه ای یکسان جلوه می دهد.

هشتم. تاریخ و آرمان های مشترک

بنا بر آنچه گذشت مسلمانان جهان با اقوام و ملل متعدد با وجود تفاوت در مکاتب و مسالک مختلف با مجموعه ای غنی از مشترکات معنوی به هم پیوند می یابند و اسلام به مثابه آیینی مشترک می تواند میان کشورهای اسلامی همبستگی متقنی ایجاد کند.



جزوه باما

## بخش نهم: انحطاط معنوی دنیای مدرن

۱. تمدن غربی چگونه شکل گرفت؟ فرآیند شکل‌گیری آن را به اختصار توضیح دهید.

رشد فزاینده علوم و فن آوری به سروری مادی تمدن غربی انجامید

این کشفیات علمی رفته رفته جهان را از خود متأثر نمود.

غربیان با تصرف و سیطره سرزمین‌های متعلق به تمدن‌های کهن بر غرورشان افزودند.

بدین رو نفی ملت‌های متمدن‌پیشین، کندن و خشکاندن ریشه سایر تمدن‌ها و به سخره گرفتن فرهنگ و آداب و رسوم آنها در دستور کارشان قرار گرفت.

چیرگی مادی تمدن غرب و نفی تمدن‌های ریشه‌دار توسط آنها، موازنه تمدنی را برهم زد.

آنچه به عقب ماندگی، حقارت، فقر و بیچارگی سایر تمدن‌های سلف انجامید، دامن غربیان را نیز آلوده کرد و آنان را در گردابی از پوچی درغلطانند و از اریکه غرور و سطوت فرود آورد.

۲. نشانه‌های انحطاط تمدن غربی چیست؟

تاریخ‌پیدایش تمدن غربی، رشد علوم و فن آوری و نظام سرمایه‌داری در غرب، مشحون از نشانه‌های انحطاط و آشفته‌گی‌های اجتماعی است.

۳. بحران فرهنگی و معنوی تمدن غرب در چیست و چه عللی دارد؟

توطئه‌ای است خطرناک که می‌تواند ضمن پایمال نمودن منافع کشورهای در حال توسعه، به پیامدهای پیچیده و وخیمی بینجامد و جنگ سرد دیگری را به وجود آورد.

۱- بی‌توجهی تمدن غربی به دین

۲- نبود تدین حقیقی در جامعه غربی

۳- توسعه ماشین و ماشینیسیم

۴- تضاد میان علم مادی و دین

۴. نتایج عدم توجه تمدن غربی به دین را توضیح دهید.

مهمترین عامل بحران فرهنگی غرب است.

تحریف آموزه ای مسیح و جدایی کامل دین از همه‌ی بنیاد های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی و در یک کلام محصور کردن دین در چارچوب تنگ کلیسا و محدود کردن مظاهر عبادی تنها در روز یکشنبه و یا خرید و فروش گناه و ساده انگاری قیامت، بی گمان به بحران معنوی جامعه غربی انجامید.

۵. تضاد میان علم مادی و دین در جامعه غربی چه پیامدهایی داشت؟

وجود پدیده ربا و مفاسد اقتصادی، فساد اخلاقی و سوء رفتار های اجتماعی و یا رواج احکام غیر اخلاقی و به کارگیری روش های سیاسی مبتنی بر زور و ستم از مظاهر تعارض میان دین و علم جاری است.

اتکای تمدن غرب به علم مادی، فن آوری و سرمایه داری در شرایط بی توجهی به مفاهیم اصیل دینی و عدم تطبیق شریعت با مبانی اجتماعی و همچنین عدم سلطه اخلاق موجب شد تمدن غرب در ورطه ای سهمگین از بحران اخلاقی غوطه ور شود و ره رهایی و تعالی را مسدود نماید.

۶. نتایج مخرب توسط ماشین و ماشینیسیم در غرب چیست؟

فن آوری و نظام سرمایه داری، دگرگونی های ژرفی در تمدن غرب به وجود آورد.

حاکمیت ماشین فاقد احساس توده های اجتماعی را از خود متاثر نمود.

توسعه ی ماشین و ماشینیسیم موجب آسیب دیدن پیکره فرهنگ و معنویت و اخلاق بود.

۷. نبوده تدین حقیقی در جامعه غربی چه آثاری بر جای نهاده است؟

عدم تعمیق باورهای مذهبی و فقدان تدین و دین باوری تمدن غربی ، به بحران معنوی آن دامن زده است.

زمانی انحطاط روحانی در جامعه تجلی می شود که حقیقت خداوند و البته همه نظام ماورای آن جایگاه حقیقی خود را از دست بدهند.

دوری از حقایق معنوی و نیاز های جدی بشر، روی گردانی از مبدأ هستی و نیز عدم تدین حقیقی، جامعه را به انحطاط می کشاند.

۸. دلایل گروه بد بینان شبه مذهبی در مورد عدم اصلاح و ناامیدی در حفظ تمدن و فرهنگ غرب چیست؟  
با نگرشی بدبینانه به همه تاریخ تمدن و فرهنگ می پردازند.

آنان با رویکردی مایوسانه، وجود بشر و حیات تمدنی آنها را آمیخته به بدی دانسته و بر این باورند که شرم لزوم ذاتی آنهاست.

تنها زمانی می توان غبار بحران را از میان برد که قیامت در رسد و عدالت اجرا گردد. در واقع این آن به رفع بحران جهان غرب امیدی ندارند.

۹. گروه خوش بینان ساده نگر چگونه به بحران موجود در جامعه غربی می نگرند؟ به اختصار توضیح دهید.

جامعه ی غربی را جدید نمی دانند بلکه آن را بحرانی کهنه و مزمن می دانند.

که نتیجه علل سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و دینی جامعه غربی است اینان معتقدند با رفع این عوامل می توان به بهبودی جامعه غربی امید داشت.

۱۰. نظر گروه بد بینان علمی درباره بحران موجود در تمدن غربی چیست؟

بحران موجود تمدن غربی را در کاربرد تمدن غرب و سیر صعودی آن می دانند.

آنان معتقدند علم مادی تمدن غربی با بمب های هیدروژنی و هزاران قدرت تخریبی دیگر، در قالب های مختلفی تاییدی است بر بحران موجود در تمدن غربی که خیلی زود طومار حیات تمدن و فرهنگ جهانی را بر خواهد چید

۱۱. نظر ژرف نگران مذهبی را درباره بحران تمدن غرب توضیح دهید.

اینان موسوم به سوروکینیسیم هستند.

برآن اند که بحران امروزی تمدن غرب نه تنها امری ساده نیست بلکه بحرانی است شگرف ، کلی و عمومی و البته بی سابقه که در همه امور و شئون تمدن غربی ریشه دوانده و حیات تمدن و فرهنگ غربی را از خود متاثر نموده است.

در جمع بندی آرای این متفکران می توان نتیجه گرفت که بحران امروزی تمدن غربی محصول نادیده گرفتن دین ، فراموش کردن معنویت و سستی بنیان اخلاقی جامعه غربی است.



جزوه باما





# جزوه باما

دانلود جزوات، نمونه سوالات  
و پروپونته‌های دانشگاهی

**Jozvebama.ir**

